



عبودیت در اوج شکوه
بازخوانی خرد دعا و خضوع در اندیشه حضرت زهرا(س)

در صفحه یک

شنبه یکم آذر ماه ۱۴۰۴ سال نوزدهم شماره ۳۴۴۷ قیمت ۵۰۰۰ تومان

طرح نو

روزنامه کثیرالانتشار

سرمقاله

۲

استراتژی نفوذ آمریکا در قفقاز و ضرورت ایستادگی ایران

طرح نو؛ سردبیر

چالش‌ها و فرصت‌های منطقه‌ای و داخلی در مواجهه با سیاست‌های جهانی و استراتژیک همواره یکی از دغدغه‌های اصلی تصمیم‌گیران در عرصه بین‌الملل بوده است و در سال‌های اخیر، منطقه قفقاز و آسیای مرکزی شاهد تحولات ژئوپلیتیک پرفراز و نشیبی بوده است که نقش بازیگران بزرگ جهانی، به‌ویژه ایالات متحده، روسیه، چین و اتحادیه اروپا، در شکل‌گیری آینده این منطقه بسیار پررنگ است.

در این میان، استراتژی «راه ترامپ» که هدف نهایی آن تثبیت نفوذ آمریکا در مسیرهای استراتژیک منطقه است، یکی از مهم‌ترین رویکردهای سیاست خارجی دولت واشنگتن محسوب می‌شود. این استراتژی که مبتنی بر رویکردهای مداخله‌جویانه و بهره‌برداری از شکاف‌های موجود است، تلاشی آشکار برای بازتعریف نظم منطقه‌ای به نفع منافع ایالات متحده است.....

گزارش

۲

چرخش استراتژیک آمریکا در شرق مدیترانه و به حاشیه راندن ترکیه؛

آمریکا ترکیه را منزوی می‌کند؟!

طرح نو، سردبیر

شرق مدیترانه، همواره یکی از مهم‌ترین کانون‌های ثقل ژئوپلیتیک در جهان بوده است. این منطقه، که محل تلاقی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است، نه تنها به دلیل ذخایر عظیم گاز طبیعی و نفت زیر بستر دریا، بلکه به دلیل نقشی حیاتی در مسیرهای کشتیرانی جهانی و توازن قدرت‌های نظامی، اهمیت استراتژیک فوق‌العاده‌ای دارد. در دهه‌های گذشته، ترکیه به عنوان یک بازیگر کلیدی و اغلب چالش‌برانگیز، تلاش کرده بود تا با اتکا به قدرت نظامی و میراث تاریخی عثمانی، جایگاه خود را در این حوزه تثبیت کند. با این حال، تحولات اخیر نشان‌دهنده یک تغییر پارادایم بنیادین در معادلات قدرت منطقه‌ای است.

در این راستا تحلیلگران سیاسی معتقدند که ایالات متحده آمریکا، با اتخاذ یک رویکرد استراتژیک جدید، محور همکاری‌های منطقه‌ای را از آنکارا به آتن، نیکوزیا و تل‌آویو منتقل کرده است. این تغییر رویکرد، منجر به شکل‌گیری یک اتحاد استراتژیک جدید با رهبری یونان شده و عملاً استراتژی‌های بلندمدت ترکیه را در حاشیه قرار داده است. این مطلب به واکاوی دلایل این چرخش، سازوکارهای شکل‌گیری محور جدید، پیامدهای آن بر موقعیت منطقه‌ای ترکیه، و چشم‌انداز آینده ژئوپلیتیک شرق مدیترانه خواهد پرداخت.....

همه چیز درباره‌ی نژاد، زبان و محل تولد مولانا؛

واکاوی اسناد تاریخی در پرتو دیدگاه‌های معاصر

در صفحه ۳



خبر

۱

استاندار آذربایجان شرقی:

بسیج تبلور حضور آگاهانه مردم در عرصه‌های استقلال و پیشرفت کشور است

شهری

۸

شهردار تبریز خبر داد:

دومین مسیر گشایی بزرگ تبریز با یک کیلومتر طول تا پایان امسال به بهره‌برداری می‌رسد

عبودیت در اوج شکوه

بازخوانی خرد دعا و خضوع در اندیشه حضرت زهرا(س)

تنظیم می‌شود.



طرح نو؛ زهرا ژرفی مهر

در میان همه ی تصویرهایی که از حضرت زهرا(س) در ذهن مؤمنان نقش بسته است، مهم‌ترین بعد شخصیت این بانوی قدسی «خضوع و انکسار در برابر خداوند» به‌شمار می‌آید. روایت‌های کهن و تحلیل‌های عرفانی همگی بر همین نکته دلالت می‌کنند که او، همانند دیگر اولیای الهی، نخست «عبد» خدا بود و سپس در مراتب نبوت، رسالت یا امامت جای گرفت. از نگاه ژرف او، هیچ منصب و مقامی موجب رفعتی بیرون از بندگی نمی‌شود؛ بلکه هرچه مرتبه‌ی قرب به خدا فزونی می‌گیرد، شکستگی و تضرع درونی بیشتر می‌شود. نمونه‌ی روشن آن، رفتار امام هادی(علیه السلام) پس از شهادت پدرش امام جواد(علیه السلام) است که در روایت آمده با شنیدن خبر، پیش از هر واکنشی، تنها جمله‌ی «انا لله و انا الیه راجعون» را زمزمه کرد؛ دلالتی بر آن‌که بزرگی در عبادت نه به اقتدار، بلکه به میزان فروتنی در برابر حق معنا می‌یابد.

خلوت گره‌گشا در متن مسئولیت اجتماعی

از این خضوع قدسی می‌توان در حوزه‌ی مدیریت انسانی نیز درس گرفت. هرچه مسئولیت بزرگ‌تر می‌شود، نیاز به خلوت معنوی بیشتر می‌شود. تعبیر سخنران از رفتار امام خمینی(ره) در سال‌های سخت جنگ، نمونه‌ای شاخص است؛ او در اوج بحران سیاسی و اقتصادی، روزانه قرآن تلاوت می‌کرد و همین عطش

ارزش انسان در وسعت آرزوهای تجلی می‌یابد

علامه جعفری در گفتار معروف خود در دانمارک این حقیقت را فلسفی کرد: معیار ارزش انسان، همان چیزی است که به آن عشق می‌ورزد. این اصل، ریشه در سخن امام علی(علیه السلام) دارد که فرمود «قیمت کل امرئ ما یحسین»؛ قیمت هر انسان، همان چیزی است که دوستش دارد. از این منظر، انسانی که خدا را می‌خواهد، در جهان معنا بزرگ زندگی می‌کند و حتی در فعالیت‌های دنیوی، بوی معرفت و خدا می‌دهد.

در مقابل، آن‌که دنیا را می‌خواهد، عبادتش هم رنگ ماده می‌گیرد. این تمایز میان دو افق، حضور فرهنگی اهل بیت را در تربیت انسان روشن می‌کند؛ آن‌ها آرزوهای بشر را آسمانی و گسترده می‌خواهند، در حالی‌که نظام سلطه و سرمایه‌داری، با تبلیغات و کاذب‌سازی نیازها، انسان را در محدوده کالاهای و تجملات محصور می‌سازد.

رنگ آسمان بر نیازهای زمین

حتی نیازهای اولیه مانند خوراک، خواب و ازدواج در نگاه اهل بیت رنگی آسمانی به خود می‌گیرد. در دعا‌های امامان، خواستن عمر، رزق یا قدرت، همگی در مسیر بندگی معنا می‌یابد: «وامرئ ما عمرت فی طاعتک». حضرت زهرا(س) نیز هنگامی‌که پیامبر(ص) وعده داد هرچه بخواهد برآورده می‌شود، پاسخ داد که تنها لذت خدمت به خدا، او را کفایت می‌کند. این پاسخ، اوج عرفان بی‌ادعاست؛ عرفانی که در دل کار روزمره و تربیت فرزند اتفاق می‌افتد و تقابل با دنیا را جایگزین تعالی در دنیا می‌سازد. در پایان عمر، نیز با دستانی لرزان برای دیگران دعا کرد و گفت: «به حق انبیا و به گریه ی حسن و حسینم، شیعیان و فرزندانم را ببخش». این دعای پایانی، نقطه ی تلاقی عشق مادری و عرفان الهی شمرده می‌شود.

دلالت نهایی؛ درس حضور در عصر فراموشی دعا

عبودیت حضرت زهرا(س) در اصل، بیانی از تعادل میان خرد، عاطفه و بندگی است. حال که اضطراب و رقابت، خلوت انسان را ربوده‌اند، بازخوانی این فرهنگ دلالت بر ضرورتی بنیادین دارد؛ بازگشت به گفت‌وگوی با خدا، نه برای رهایی از جهان، بلکه برای ساختن جهانی آرام‌تر؛ در چنین بازگشتی، دعا دیگر نه واژه ی ملال‌آور بلکه کنش معرفتی مؤثر در اخلاق عمومی می‌شود و عبودیت، شکل عالی خود را در زندگی اجتماعی انسان معاصر تجلی می‌دهد.

دعا؛ گفت‌وگوی معصوم با اقی بی‌کران معنا

دعا‌های منقول از حضرت زهرا(س)، بخشی از میراث بزرگ «صحیفه فاطمیه» هستند که در کنار صحیفه ی سجاده قرار می‌گیرند و نشان می‌دهند که دعا، نه زمزمه ی ضعف که تجلی تفکر و الهیات عملی است. در بیان امام خمینی(ره)، دعا «قرآن صاعد» خوانده شده است؛ همان‌گونه که قرآن از بالا به زمین آمده، دعا از زمین به افلاک می‌رود. هر دعا در واقع تجلی شخصیت گوینده ی آن است؛ دعای کبیل بازتاب شخصیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و دعای عرفه، آینه ی روح امام حسین(علیه السلام) است.

بدین‌سان کسی که با این دعاها مأنوس می‌شود، در تربیت مستقیم معصوم قرار می‌گیرد و خواسته‌هایش مطابق با اقی الهی

استاندار آذربایجان شرقی:

بسیج تبلور حضور آگاهانه مردم در عرصه‌های استقلال و پیشرفت کشور است

طرح نو؛ گروه خبر

استاندار آذربایجان شرقی امروز جمعه در پیامی به مناسبت فرا رسیدن هفته بسیج اعلام کرد: بسیج تبلور مسئولیت پذیری و حضور آگاهانه مردم در عرصه‌های دفاع از امنیت، استقلال و پیشرفت کشور است.

بهرام سرمست در پیام خود به مناسبت هفته بسیج، ترویج روحیه بسیجی را در شرایط فعلی بیش از هر زمان دیگری ضروری خواند.

در بخشی از پیام استاندار آذربایجان شرقی آمده است:

بسیج، نهادی برخاسته از متن جامعه است که از نخستین روزهای شکل‌گیری‌اش تا امروز، در حساس‌ترین میدان‌های تاریخ انقلاب، از دفاع مقدس تا سازندگی، فرهنگ‌سازی و حل مسائل اجتماعی نقش‌آفرینی کرده و سرمایه‌ای بی‌بدیل برای نظام جمهوری اسلامی و ملت بزرگ ایران به شمار می‌آید.

پیام حاکی است:

بسیجیان غیور همواره در صف اول خدمت‌رسانی قرار داشته‌اند؛ از جنگ تحمیلی تا جنگ دوازده روزه، از اقدامات جهادی و محرومیت‌زدایی در مناطق کم‌برخوردار گرفته تا همراهی مؤثر در مدیریت بحران‌ها، امدادسانی، پاسداری از امنیت جامعه و مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی. این روحیه جهادی و مردمی، پشتوانه‌ای ارزشمند برای اجرای برنامه‌های توسعه‌ای در استان آذربایجان شرقی و تقویت همبستگی و اعتماد اجتماعی است.

در پیام سرمست تشریح شده است: امروز در شرایطی که کشورمان با مشکلاتی در حوزه‌های مختلف روبه‌رو است و برای تداوم مسیر پیشرفت و اعتلای ایران عزیزمان باید موانع را از پیش پای مردم برداریم، نیاز به روحیه فرهنگ بسیجی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود و ترویج این فرهنگ بیش از پیش می‌تواند راهگشا باشد. به‌خصوص مدیران دستگاه‌های اجرایی باید روحیه بسیجی را در خدمت مردم و نظام نصب‌العین خود قرار دهند.

در پیام یادآوری شده است:

اینجانب فراسیدن هفته بسیج را به تمام بسیجیان مخلص و غیور استان تبریک عرض می‌کنم و با گرمی‌داشت یاد و نام شهدای والامقام بسیج و قدردانی صمیمانه از تلاش‌های مخلصانه بسیجیان استان، ابراز امیدواری می‌کنم که این نهاد مردمی با تداوم روحیه ایمان، فداکاری و همدلی، همچنان در مسیر اعتلای ایران اسلامی و سربلندی آذربایجان شرقی نقش‌آفرین باشد. در تقویم رسمی کشورمان، ۲۹ آبان تا ۵ آذر هر سال، «هفته بسیج» نام‌گذاری شده است. شعار هفته بسیج امسال «بسیج، با مردم، برای مردم» می‌باشد و فعالیت‌های بسیج در هفته جاری با محوریت جهاد تبیین، امیدآفرینی و نشاط اجتماعی خواهد بود.

بنابر اعلام سردار عباسقلی‌زاده، فرمانده سپاه عاشورا به مناسبت هفته بسیج، امسال در آذربایجان شرقی سه هزار و ۹۰ برنامه اجرا می‌شود.

استراتژی نفوذ آمریکا در قفقاز و ضرورت ایستادگی ایران

طرح نو؛ سردبیر
چالش‌ها و فرصت‌های منطقه‌ای و داخلی در مواجهه با سیاست‌های جهانی و استراتژیک همواره یکی از دغدغه‌های اصلی تصمیم‌گیران در عرصه بین‌الملل بوده است و در سال‌های اخیر، منطقه قفقاز و آسیای مرکزی شاهد تحولات ژئوپلیتیک پرفراز و نشیبی بوده است که نقش بازیگران بزرگ جهانی، به‌ویژه ایالات متحده، روسیه، چین و اتحادیه اروپا، در شکل‌گیری آینده این منطقه بسیار پررنگ است.

در این میان، استراتژی «راه ترامپ» که هدف نهایی آن تثبیت نفوذ آمریکا در مسیرهای استراتژیک منطقه است، یکی از مهم‌ترین رویکردهای سیاست خارجی دولت واشنگتن محسوب می‌شود. این استراتژی که مبتنی بر رویکردهای مداخله‌جویانه و بهره‌برداری از شکاف‌های موجود است، تلاشی آشکار برای بازتعریف نظم منطقه‌ای به نفع منافع ایالات متحده است.

زیربنای این طرح، تلاش برای بهره‌برداری از اوضاع داخلی کشورهای منطقه، ساختارهای قدرت، روابط قومی و مذهبی، و فرصت‌های اقتصادی است تا راه نفوذ مستقیم و غیرمستقیم آمریکا هموارتر شود. این رویکرد، که اغلب بر پایه‌های تفرقه‌افکنی و تحریک مطالبات محلی بنا شده، به دنبال ایجاد زنجیره‌ای از نقاط ضعف در مجاورت مرزهای استراتژیک جمهوری اسلامی ایران است.

نقش محوری باکو در مسیر اجرای «راه ترامپ»

جمهوری آذربایجان، به عنوان یکی از کشورهای کلیدی در منطقه و دارای موقعیت ژئوپلیتیکی حساس، در مسیر اجرای «راه ترامپ» نقش محوری دارد. بر اساس تحلیل‌های مختلف، باکو به عنوان حلقه وصل میان غرب و شرق، در تلاش است تا در قالب عضویت در گروه‌های منطقه‌ای و برگزاری نشست‌های منطقه‌ای، جایی برای فرصت‌سازی و جذب منافع استراتژیک خود پیدا کند.

البته، این سیاست در عین حال، جدال میان منافع ملی و اهداف منطقه‌ای را برای این کشور کوچک پیچیده‌تر ساخته است، چرا که این کشور در نوعی توازن راهبردی میان قدرت‌های بزرگ قرار گرفته و هرگونه سوگیری افراطی می‌تواند هزینه‌های جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد.

در داخل جمهوری آذربایجان نیز نگرانی‌هایی جدی درباره اهداف واقعی سیاست‌های خارجی آمریکا وجود دارد. رسانه‌ها و تحلیلگران مستقل در این کشور مسلمان، بر این باورند که پروژه‌هایی چون «راه ترامپ»، در نهایت، تلاش‌هایی است برای محدود کردن نفوذ ایران و توسعه ساختارهای ناامن و بی‌ثبات در منطقه، با هدف تضعیف محورهای مقاومت و تسهیل تسلط اقتصادی و امنیتی غرب. این نگرانی‌ها، در کنار تنش‌های قومی و فرهنگی که همواره پتانسیل شعله‌ور شدن را دارند، فضای داخلی کشور را به سمت بروز مخالفت‌های جدی با سیاست‌های همسویی کامل با واشنگتن سوق می‌دهد و نشان‌دهنده هوشیاری نسبی بخشی از نخبگان محلی است. این عده معتقدند که نباید در مقابل این سیاست‌ها خاموش نشست و باید با ییاداری ملی و هوشمندی در مسیر حفظ منافع ملی گام برداشت و از تبدیل شدن به ابزاری در دست قدرت‌های فرامنطقه‌ای پرهیز کرد.

نقش حیاتی «اتحاد ملی» در خنثی‌سازی برنامه‌های استعماری
در برابر تلاش‌های دشمنان برای تضعیف جایگاه منطقه‌ای و داخلی جمهوری اسلامی ایران به ویژه در قفقاز، باید گفت که ایران با دارا بودن ظرفیت‌های قابل توجه ژئوپلیتیکی، تمدنی و انسانی، توانسته است در مقابل این تحکرات مقاومت نشان دهد. روابط راهبردی با کشورهای منطقه، به‌ویژه کشورهای، نفوذ ژرف در مرزهای جغرافیایی و فرهنگی، قدرت نرم گسترده در میان جوامع اسلامی و حتی غیر اسلامی منطقه، دیپلماسی فعال و سنجیده، همگی جزو ابزارهای کلیدی ایران در مقابله با سیاست‌های استراتژیک و مخرب بیگانگان محسوب می‌شوند.

علاوه بر این، اتحاد ملی، تکیه بر اراده ملت و رهبری حکیمانه انقلاب اسلامی، نقش حیاتی در خنثی‌سازی برنامه‌های استعماری ایفا می‌کند، چرا که اتحاد داخلی بزرگترین مانع در برابر پروژه‌های تفرقه‌افکنانه دشمن است. تحلیل‌گران معتقدند، اگرچه دشمنان داخلی و خارجی با تمام توان بر طبل نفوذ و تحریف واقعیات منطقه تلاش و سعی دارند روایت خود را بر حقیقت غلبه دهند، اما راهی که «راه ترامپ» دنبال می‌کند، هرچقدر هم نشانه‌هایی از پیشروی تاکتیکی داشته باشد، به دلیل ماهیت ضدمنطقه‌ای و ضدمردمی خود، راهی به مقصد نخواهد بود.

کلید موفقیت در این مسیر، حفظ وحدت ملی در داخل، هوشمندی دیپلماتیک در عرصه بین‌الملل و ایمان به قدرت مردمی و تکیه بر ظرفیت‌های درونی است. جمهوری اسلامی ایران، با دارا بودن ظرفیت‌های استراتژیک نظیر موقعیت ترانزیتی، ذخایر انرژی، و برخورداری از نهادهای انسجام‌بخش ملی، می‌تواند این فرآیندها را مهار و مسیر شکست طرح‌های استعماری را هموار سازد و معادله قدرت منطقه‌ای را به نفع ثبات و استقلال واقعی سوق دهد. در نتیجه، مواجهه با سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی نیازمند تحلیل‌های واقع‌بینانه، شناخت دقیق از ظرفیت‌ها و موانع است.

طرح «راه ترامپ» با هدف محدود کردن نفوذ ایران، ایجاد کمربند امنیتی برای اسرائیل و تسلط بر مسیرهای ژئوپلیتیک حیاتی، چالش‌برانگیز است، اما حفظ هوشیاری مستمر، دیپلماسی هوشمندانه و اتحاد داخلی، پایه‌های مستحکمی برای دفع این تهدیدها فراهم می‌آورد. آینده منطقه و سرنوشت مسیر سیاست خارجی کشور، در گرو این است که با بهره‌گیری از توانمندی‌های داخلی و تمرکز بر منافع ملی به عنوان اولویت مطلق، در مقابل بازی‌های بزرگ جهانی، مقتدرانه و با عزمی راسخ ایستادگی کنیم و اجازه ندهیم که منافع بلندمدت منطقه قربانی محاسبات زودگذر قدرت‌های مداخله‌گر شود.

طرح نو، سردبیر
شرق مدیترانه، همواره یکی از مهم‌ترین کانون‌های ثقل ژئوپلیتیک در جهان بوده است. این منطقه، که محل تلاقی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است، نه تنها به دلیل ذخایر عظیم گاز طبیعی و نفت زیر بستر دریا، بلکه به دلیل نقشی حیاتی در مسیرهای کشتیرانی جهانی و توازن قدرت‌های نظامی، اهمیت استراتژیک فوق‌العاده‌ای دارد. در دهه‌های گذشته، ترکیه به عنوان یک بازیگر کلیدی و اغلب چالش‌برانگیز، تلاش کرده بود تا با اتکا به قدرت نظامی و میراث تاریخی عثمانی، جایگاه خود را در این حوزه تثبیت کند. با این حال، تحولات اخیر نشان‌دهنده یک تغییر پارادایم بنیادین در معادلات قدرت منطقه‌ای است.

در این راستا تحلیلگران سیاسی معتقدند که ایالات متحده آمریکا، با اتخاذ یک رویکرد استراتژیک جدید، محور همکاری‌های منطقه‌ای را از آنکارا به آتن، نیکوزیا و تل‌آویو منتقل کرده است. این تغییر رویکرد، منجر به شکل‌گیری یک اتحاد استراتژیک جدید با رهبری یونان شده و عملاً استراتژی‌های بلندمدت ترکیه را در حاشیه قرار داده است. این مطلب به واکاوی دلایل این چرخش، سازوکارهای شکل‌گیری محور جدید، پیامدهای آن بر موقعیت منطقه‌ای ترکیه، و چشم‌انداز آینده ژئوپلیتیک شرق مدیترانه خواهد پرداخت.

تنش‌های ناشی از اکتشافات انرژی، اختلافات دریایی بر سر مناطق انحصاری اقتصادی و همچنین اختلافات سیاسی بر سر قبرس، زمینه را برای این تغییر فراهم آورد. آنکارا با سیاست‌های تهاجمی خود، بیش از آنکه متحدان بالقوه جدیدی جذب کند، زمینه‌ساز ائتلاف‌بندی رقیب‌ای سنتی خود شد.

تولد محور سه‌جانبه آتن- نیکوزیا – تل‌آویو

شکل‌گیری اتحاد استراتژیک سه‌جانبه بین یونان، قبرس و اسرائیل را می‌توان مهم‌ترین دستاورد ژئوپلیتیک جدید در شرق مدیترانه دانست. اداری این اختلافات تاریخی عمیق با آنکارا هستند. این اختلافات، به ویژه در زمینه دریای اژه و حقوق قبرس در مدیترانه شرقی، موجب شده تا آتن و نیکوزیا به دنبال تقویت جایگاه بین‌المللی خود باشند.

حمایت آمریکا از این دو کشور، به ویژه پس از خریدهای نظامی اخیر یونان و نگرانی‌های فرزانده از سیاست‌های دریایی ترکیه، به سرعت عمق روابط را افزایش داده است. یونان با نوسازی گسترده نیروهای مسلح خود، از جمله خرید جنگنده‌های رافال فرانسه و برنامه‌ریزی برای خرید F-۳۵، به یک قدرت نظامی متعادل‌کننده در منطقه تبدیل شده است. این تجهیزات نه تنها تران دفاعی یونان را افزایش می‌دهد، بلکه پیامی مستقیم به آنکارا است مبنی بر اینکه موازنه قدرت نظامی در شرق مدیترانه در حال تغییر است.

قبرس نیز در این میان، نقشی حیاتی ایفا می‌کند. جزیره قبرس، با موقعیت جغرافیایی خود، به عنوان یک پایگاه استراتژیک برای حضور نظامی و اطلاعاتی غرب در قلب شرق مدیترانه عمل می‌کند. با توجه به اینکه ترکیه بخش شمالی قبرس را اشغال کرده و دولت قبرس را به رسمیت نمی‌شناسد، حمایت آمریکا از دولت یونانی‌نشین قبرس، ابزاری قدرتمند برای اعمال فشار دیپلماتیک و حقوقی بر آنکارا محسوب می‌شود.

تل‌آویو شریک استراتژیک در حوزه انرژی و فناوری
ورود رژیم اسرائیل به این مثلث، بُعد جدیدی به آن بخشیده است. روابط رژیم صهیونیستی و ترکیه در سال‌های اخیر دچار فراز و نشیب‌های زیادی شده است، اما روابط تل‌آویو با آتن و نیکوزیا، مسیر توسعه سریعی را طی کرده است. نقش رژیم اسرائیل فراتر از توانایی‌های نظامی پیشرفته و فناوری‌های دفاعی است. این کشور

چرخش استراتژیک آمریکا در شرق مدیترانه و به حاشیه راندن ترکیه؛

آمریکا ترکیه را منزوی می‌کند؟!



به عنوان یک نیروی ژئوپلیتیک بنیابت (از دیدگاه غرب) در منطقه شناخته می‌شود که اشتراکات ایدئولوژیک و استراتژیک با آمریکا و اروپا دارد. توسعه منابع عظیم گاز طبیعی در سواحل رژیم اسرائیل، این کشور را به بازیگری کلیدی در بازار انرژی اروپا تبدیل کرده است. همکاری نظامی-امنیتی بین این سه کشور، شامل مانورهای مشترک و تبادل اطلاعات، به شکل‌گیری یک «پیمان دفاعی غیررسمی» منجر شده است که محوریت آن، مقابله با هرگونه اقدام تهاجمی در آب‌های منطقه‌ای است.

یکی از مهم‌ترین تجلیات این اتحاد، همکاری‌ها در حوزه انرژی است. پروژه خط لوله گاز شرق مدیترانه که با عضویت مصر، رژیم اسرائیل، یونان، قبرس، ایتالیا، اردن و فلسطین تشکیل شده، نمونه بارز این است. ترکیه به دلیل اختلافات مرزی و عدم به رسمیت شناختن مرزهای دریایی قبرس، از این سازمان مهم بین‌المللی خارج مانده است. این همکاری‌ها نه تنها مسیرهای انتقال انرژی را از ترکیه دور می‌کند، بلکه به تقویت جایگاه اقتصادی و سیاسی آتن و نیکوزیا در معادلات انرژی اروپا کمک شایانی کرده است. علاوه بر این، همکاری‌ها در زمینه توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، پروژه‌های نظامی مشترک و تبادل اطلاعات در مبارزه با تروریسم، این محور را به یک بلوک منسجم تبدیل کرده است.

به نظر این گونه می‌رسد که چرخش آمریکا در شرق مدیترانه، نقطه‌ی عطفی در سیاست خارجی این کشور در منطقه محسوب می‌شود. برای دهه‌ها، واشنگتن سیاست سنتی «توازن‌بخشی» بین آنکارا و آتن را در پیش گرفته بود تا از ورود هیچ‌کدام به جناح رقیب جلوگیری کند. این رویکرد به ترکیه اجازه می‌داد تا با استفاده از عضویت در ناتو، فضای مانور خود را گسترش دهد. اما این سیاست دیگر کارآمد نیست.

دلایل متعددی برای این چرخش وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:
۱- خرید سامانه دفاع موشکی اس-۴۰۰ روسیه توسط آنکارا، مداخله نظامی در سوریه و سیاست‌های داخلی حقوق بشری، اعتماد آمریکا را به ترکیه به شدت خدشه‌دار کرده است.
۲- یونان به عنوان یک عضو قدیمی ناتو و قبرس به عنوان یک پل استراتژیک، در چارچوب رقابت با روسیه و چین اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده‌اند.
۳- تأمین منابع گازی پایدار برای اروپا، بدون در نظر گرفتن ترکیه، اولویت واشنگتن شده است و محور GCI این نقش را ایفا می‌کند. ایالات متحده از ابزارهای مختلفی برای تقویت محور جدید و همزمان اعمال فشار بر ترکیه استفاده می‌کند. از جمله؛ فروش تسلیحات پیشرفته مانند تأیید فروش جنگنده‌های F-۱۶ به یونان (با وجود مخالفت‌های اولیه کنگره) و حمایت از برنامه نوسازی نظامی این کشور که یک سیگنال واضح به آنکارا است که واشنگتن در کنار آتن ایستاده است.

همچنین با وجود حساسیت‌های تاریخی، آمریکا در حال عادی‌سازی روابط با جمهوری قبرس است. لغو تحریم‌های تسلیحاتی و افزایش همکاری‌های امنیتی، جایگاه دولت یونانی‌نشین قبرس را در برابر ادعاهای ترکیه تقویت می‌کند. واشنگتن از این اتحاد جدید نه تنها برای پیشبرد منافع خود در شرق مدیترانه، بلکه برای اعمال فشار در پرونده‌های دیگر استفاده

می‌کند.
تأمین منابع گازی پایدار برای اروپا، بدون در نظر گرفتن ترکیه، اولویت واشنگتن شده است و محور GCI این نقش را ایفا می‌کند. ایالات متحده از ابزارهای مختلفی برای تقویت محور جدید و همزمان اعمال فشار بر ترکیه استفاده می‌کند. از جمله؛ فروش تسلیحات پیشرفته مانند تأیید فروش جنگنده‌های F-۱۶ به یونان (با وجود مخالفت‌های اولیه کنگره) و حمایت از برنامه نوسازی نظامی این کشور که یک سیگنال واضح به آنکارا است که واشنگتن در کنار آتن ایستاده است. همچنین با وجود حساسیت‌های تاریخی، آمریکا در حال عادی‌سازی روابط با جمهوری قبرس است. لغو تحریم‌های تسلیحاتی و افزایش همکاری‌های امنیتی، جایگاه دولت یونانی‌نشین قبرس را در برابر ادعاهای ترکیه تقویت می‌کند. واشنگتن از این اتحاد جدید نه تنها برای پیشبرد منافع خود در شرق مدیترانه، بلکه برای اعمال فشار در پرونده‌های دیگر استفاده

حتی با موضع‌گیری‌های مخالف برخی اعضا روبه‌رو شود.

واکنش‌های احتمالی آنکارا و چشم‌انداز آینده

در مواجهه با این انزوای فرآینده، ترکیه ناچار به بازنگری در استراتژی‌های خود خواهد بود. دولت آنکارا نمی‌تواند به سادگی نقش خود را در شرق مدیترانه رها کند و احتمالاً واکنش‌هایی در پیش خواهد گرفت که می‌تواند به تشدید تنش‌ها یا تغییر موازنه قدرت منجر شود.

استراتژی‌های خروج از انزوا:

۱- ترکیه احتمالاً تلاش خواهد کرد تا با تقویت روابط با روسیه (به ویژه در حوزه انرژی و فروش سلاح) و همچنین بهبود روابط با ایران، یک محور موازی برای فشار بر غرب و اروپا ایجاد کند. این امر می‌تواند به معنای پذیرش ریسک‌های ناشی از تحریم‌های احتمالی آمریکا باشد.

۲- توافقنامه دریایی با لیبی (دولت وفاق ملی سابق) یک ابزار کلیدی برای ترکیه است تا ادعاهای خود در شرق مدیترانه را در بخش مرکزی تثبیت کند. تقویت این روابط، می‌تواند تلاشی برای بر هم زدن توازن جدید باشد.

۳- آنکارا ممکن است تلاش کند تا با بهره‌برداری از اختلافات داخلی یونان و قبرس، یا ایجاد تنش بین یونان و اسرائیل (که همواره روابطی پیچیده داشته‌اند)، این اتحاد را تضعیف کند.

چشم‌انداز پایداری محور سه‌جانبه:

آیا محور GCI (یونان – قبرس – اسرائیل) پایدار خواهد بود؟ آسیب‌پذیری‌های این اتحاد عمدتاً در حوزه‌های داخلی و سیاسی نهفته است. باید بدانیم که،

- این محور به شدت به حمایت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی ایالات متحده وابسته است و هرگونه تغییر در کاخ سفید می‌تواند به تغییر در اولویت‌بندی‌ها منجر شود.

- همچنین تاریخ نشان داده است که روابط آتن و آنکارا می‌تواند به سرعت تغییر کند. یک توافق سیاسی بزرگ میان دو کشور، می‌تواند اساس این اتحاد را متزلزل کند، اگرچه احتمال این امر در شرایط کنونی پایین به نظر می‌رسد.

- و این که سیاست‌های رژیم اسرائیل در خاورمیانه (مانند روابط با ایران با وضعیت فلسطین) همواره متغیر است و می‌تواند بر تمرکز این کشور در مدیترانه شرقی تأثیر بگذارد. شرق مدیترانه در حال گذار از یک نظام ژئوپلیتیک چندقطبی و نامتوازن به یک نظم جدید است که در آن، ایالات متحده آمریکا نقش محوری در شکل‌دهی به ائتلاف‌های منطقه‌ای ایفا می‌کند. محور سه‌جانبه یونان، قبرس و اسرائیل، با حمایت واشنگتن، به سرعت به بازیگر غالب در این حوزه تبدیل شده است و به طور مؤثر استراتژی‌های بلندمدت آنکارا را به چالش کشیده است.

در این تحول، آتن به طور محسوسی برنده این بازی ژئوپلیتیک بوده است. یونان با استفاده از فرصت‌های پیش آمده، نه تنها اختلافات دیرینه خود با ترکیه را از یک وضعیت بن‌بست دیپلماتیک به یک برتری نظامی-دیپلماتیک تبدیل کرده، بلکه موقعیت خود را در اتحادیه اروپا و روابط با آمریکا تثبیت نموده است. هزینه این پیشروی برای یونان، عمدتاً در افزایش هزینه‌های دفاعی خلاصه می‌شود، در حالی که دستاوردهای استراتژیک آن بسیار چشمگیرتر است.

در مقابل، ترکیه با سیاست‌های تهاجمی و عدم انعطاف‌پذیری دیپلماتیک، خود را در موقعیتی منزوی یافته است. این انزوا، نه تنها در حوزه‌های دریایی و انرژی، بلکه در عرصه دیپلماسی جهانی نیز قابل مشاهده است. اگرچه ترکیه بازیگری نیست که بتواند به سادگی آن را نادیده گرفت و واکنش‌هایی تلافی‌جویانه را محتمل می‌سازد، اما موازنه قدرت در حال حاضر به نفع محور «آتن- نیکوزیا-تل‌آویو» چرخیده است. شرق مدیترانه، به عرصه جدیدی از رقابت‌های ژئوپلیتیک تبدیل شده است که در آن، آتن و آنکارا را وادار به بازنگری بنیادین در محاسبات استراتژیک خود نموده است.

همه چیز درباره‌ی نژاد، زبان و محل تولد مولانا؛

واکاوی اسناد تاریخی در پرتو دیدگاه‌های معاصر

طرح نو؛ سردبیر

جلال‌الدین محمد بلخی، مشهور به مولانا، یکی از برجسته‌ترین چهره‌های تاریخ ادبیات، عرفان و اندیشه بشری است. میراث عظیم او که در قالب «هفتوی معنوی» و «دیوان شمس تبریزی» متجلی شده، فراتر از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی رفته و به مثابه پلی میان شرق و غرب عمل می‌کند. با این حال، هویت او همواره موضوع مناقشات سیاسی، فرهنگی و حتی ژئوپلیتیک بوده است. تلاش برای انتساب مولانا به یک قومیت یا ملیت خاص، به ویژه در دوران معاصر، نه صرفاً یک کنجکاوی آکادمیک، بلکه یک سازوکار فرهنگی-سیاسی برای تقویت هویت ملی توسط بازیگران منطقه‌ای محسوب می‌شود.

این مقاله با هدف ارائه یک تحلیل جامع، تاریخی و مستند از هویت مولانا (نژاد، زبان و محل تولد) تدوین شده است. تمرکز اصلی بر واکاوی اسناد اولیه تاریخی و مقایسه آن با تفسیرهای معاصر و گاه جهت‌دار خواهد بود. پرسش اصلی این است که با وجود شواهد مستند زبانی و جغرافیایی، چرا مناقشه هویتی پیرامون مولانا همچنان ادامه دارد و این نزاع چه بازتابی در ژئوپلیتیک فرهنگی امروز دارد؟ مولانا متعلق به یک دوره تاریخی گذار است؛ دورانی که امپراتوری خوارزمشاهیان در حال زوال بود و موج عظیمی از مهاجرت‌های فکری و جمعیتی از شرق ایران به سوی غرب (آسیای صغیر) شکل می‌گرفت. در این فضای آشفته، هویت‌های فردی و جمعی سیال بودند. با این حال، زبان نگارش، محیط تربیتی و تعلق فکری بنیان‌های هویت یک شخصیت علمی را تعیین می‌کند. بی‌تردید، زبان فارسی نه تنها ابزار ارتباطی مولانا، بلکه بستر اصلی تجلی اندیشه عرفانی او بوده است.

این تحلیل تلاش خواهد کرد تا با تکیه بر منابع دست اول (مانند مناقب‌العارفین عقیف‌الدین تلمی، ولدنامه، و خود متون مولانا)، به این پرسش پاسخ دهد که نژاد، محل تولد و تعلق زبانی مولانا در کجای تاریخ جای می‌گیرد و چگونه می‌توان میراث او را در چارچوبی فراتر از تقسیمات ناسیونالیستی بازتعریف کرد.

جزئیات دقیق محل تولد (بلخ، ۶۰۴ ق.م و مسیر مهاجرت)

تعیین محل تولد و ریشه‌های جغرافیایی مولانا از اساسی‌ترین ارکان شناخت هویت اوست. منابع تاریخی معتبر اتفاق نظر دارند که مولانا در ابتدای قرن هفتم هجری قمری و در شهر بلخ (واقع در خراسان بزرگ، افغانستان امروزی) متولد شده است.

تاریخ دقیق تولد مولانا حدود ۶۰۴ هجری قمری (حدود ۱۲۰۷ میلادی) ذکر شده است. بلخ در آن زمان، یکی از مراکز اصلی تمدنی، فرهنگی و دینی جهان اسلام محسوب می‌شد و به همراه نیشابور و مرو، کانون‌های اصلی فرهنگ فارسی‌گوی خراسان بودند.

منبع اصلی که بر تولد او در بلخ تأکید می‌ورزد،



جهان اسلام قرار داد.

ابوبکر بخارایی (تذکره‌نویس معاصر و شاگرد نسل سوم مولانا) است. این اثر که بر اساس روایات مستقیم بازماندگان مولانا نوشته شده، به صراحت محل تولد او را بلخ ذکر می‌کند. همچنین، «ولدنامه» (منسوب به بهاء ولد، پدر مولانا) که گاهی مورد مناقشه قرار می‌گیرد، نیز ریشه‌های خانوادگی او را به بلخ پیوند می‌دهد.

پدر مولانا، بهاء‌الدین ولد، که خود عارف و مفسر مشهور بود، اغلب با عنوان «سلطان العلماء» و «شیخ‌البخ» شناخته می‌شد. این امر نشان‌دهنده جایگاه اجتماعی و علمی خانواده او در منطقه خراسان پیش از مهاجرت است.

گفتنی است که خراسان در آستانه قرن هفتم، کانون اصلی زبان و ادبیات فارسی بود. شاعران و دانشمندانی چون عطار نیشابوری، سنایی و... شعر و فلسفه را به زبان فارسی به اوج رسانده بودند. مولانا در این بستر فکری متولد شد و میراث عرفانی این منطقه (به ویژه مکتب تصوف خراسان و شخصیت‌هایی چون عطار) را به ارث برد.

مهاجرت اجباری از خراسان تا آناتولی؛ مهاجرت خانواده مولانا یک رویداد ناخواسته و نتیجه مستقیم تحولات ژئوپلیتیک منطقه‌ای بود؛ تجاوز مغولان به خراسان. با گسترش حملات مغول در حدود سال ۶۱۷ ق.م. خانواده بهاء‌الدین ولد مجبور به ترک بلخ شدند. این مهاجرت یک کوچ اجباری بود که هدف آن حفظ جان و میراث معنوی بود. پس از بلخ، خانواده مدتی در نیشابور توقف کردند.

این توقف اهمیت فرهنگی دارد زیرا مولانا در آنجا با عطار نیشابوری دیدار کرد؛ روایتی که اغلب در منابع ذکر می‌شود و نشان‌دهنده ارتباط او با سنت ادبی نیشابور است. اما مسیر مهاجرت به سمت غرب ادامه یافت. آن‌ها مدتی در بغداد توقف کردند که در آن زمان پایتخت عباسیان بود و محل تجمع بزرگان فکری و دینی محسوب می‌شد. سپس به سوی شام (احتمالاً حلب یا دمشق) رهسپار شدند. این توقف‌ها، مولانا را در معرض جریان‌های فکری مختلف در

نقل شده و بیانگر درک او از محدودیت‌ها و توانایی‌های زبان‌های مختلف است: «من ترکی بلدم اما برای بیان یک کلمه [از حقیقت عرفانی] باید هزار کلمه [به فارسی] بگویم» این نقل قول (که برخی آن را در قالب «من ترکی بلد بودم، اما زبان ترکی زبان دل نیست») بیانگر این نکته است که مولانا زبان ترکی خود را در سطح ارتباطات روزمره ممکن است پذیرفته باشد، اما زبان فارسی را ابزار ذاتی روح و تجلی‌گاه عمیق‌ترین معانی می‌دانست. این امر نشان می‌دهد که مالکیت زبانی او، فراتر از صرف عادت، یک انتخاب آگاهانه برای بیان فلسفی بوده است.

علاوه بر مثنوی و دیوان، مکاتبات، نامه‌ها و سخنرانی‌های او (مانند «فیه ما فیه» که مجموعه تقریرات اوست) نیز به زبان فارسی نگاشته شده‌اند. این حجم عظیم تولید ادبی به زبان فارسی، او را بدون تردید در زمره بزرگترین شاعران و نویسندگان تاریخ ادبیات فارسی قرار می‌دهد.

واکاوی اسناد به «عزت چاپا» و رد انتساب صرفاً بر اساس محل دفن

در محافل آکادمیک و مناقشات فرهنگی، تلاش‌هایی برای انتساب مولانا به قومیت‌های دیگر، عمدتاً ترک‌ها، صورت گرفته است. این تلاش‌ها اغلب بر دو محور استوارند: محل دفن (قونیه) و زبان ترکی که ممکن است در محاورات روزمره استفاده شده باشد. تحلیل انتقادی این دیدگاه‌ها، به ویژه با استناد به محققان برجسته، ضروری است.

یکی از برجسته‌ترین محققانی که به طور قاطعانه هویت فرهنگی مولانا را در چارچوب فارسی تعریف کرده، پروفسور عزت چاپا (İzzet Çapa) است. این محقق، با بررسی دقیق اسناد و متون، استدلال می‌کند که هرچند مولانا در قلمرو سلجوقیان روم (که عمدتاً ترک‌زبان بودند) زندگی و فوت کرد، اما تعلق فکری و فرهنگی او کاملاً فارسی است.

چاپا و همفکران او تأکید می‌کنند که سکونت در یک منطقه جغرافیایی، هویت فرهنگی فرد را تغییر نمی‌دهد، به ویژه زمانی که آثار برجای مانده او به زبان دیگری جز زبان رایج دربار یا منطقه نباشد. انتساب صرف به ترک‌ها، اغلب ناشی از یک تفسیر ساده‌انگارانه و «ناسیونالیستی» از محل اقامت نهایی است، نه مطالعه میراث مکتوب.

انتساب مولانا به قومیت ترک، معمولاً ریشه در این واقعیت دارد که وی در قونیه (ترکیه امروزی) دفن شده و زبان سلجوقیان روم ترکی بود. این استدلال، هویت فرد را کاملاً تابع جغرافیای سیاسی روز وفات قرار می‌دهد و بنیان‌های زبانی و خانوادگی او را نادیده می‌گیرد.

اما باید بدانیم که در آناتولی قرن هفتم، با وجود سلطه سیاسی ترک‌زبانان، زبان‌های متعددی رایج بودند. نخبگان فکری و اداری، به ویژه در دربار سلجوقی، همچنان از فارسی به عنوان زبان علمی و ادبی استفاده می‌کردند. بسیاری از سلجوقیان خود ریشه‌های خراسانی یا ایرانی داشتند. و این حقیقت که ممکن است مولانا در محاورات روزمره در قونیه از ترکی یا یونانی محلی نیز استفاده کرده باشد، خللی

به مالکیت زبانی آثار بزرگ او وارد نمی‌کند. همانطور که پیشتر ذکر شد، مولانا خود به برتری فارسی برای بیان عمق عرفانی اذعان کرده است.

محققان برجسته بین‌المللی، از جمله آن ماری شیمل، که سال‌ها بر عرفان مولانا کار کرده‌اند، مولانا را به عنوان شخصیتی «فارسی‌زبان در جغرافیای آناتولی» تعریف می‌کنند. آنها بر این باورند که تلاش برای ملی‌گرایانه کردن مولانا، درک او را از سطح جهانی به سطح محلی تنزل می‌دهد.

اگر معیار را زبان آثار قرار دهیم، مولانا متعلق به ادبیات فارسی است؛ اگر معیار را محل تولد و ریشه‌های خانوادگی قرار دهیم، او به خراسان تعلق دارد؛ و اگر معیار را محل دفن قرار دهیم، او متعلق به سرزمین آناتولی است. اما ترکیب این عوامل، مولانا را به عنوان یک ایرانی‌تبار فارسی‌زبان معرفی می‌کند که میراثش را در سرزمینی دیگر به کمال رساند.

تأکید بر لزوم نگاه فراملی به میراث مولانا

پس از واکاوی اسناد تاریخی، شواهد زبانی و نقد دیدگاه‌های مناقشه‌برانگیز، می‌توان نتایج زیر را در خصوص هویت مولانا استخراج نمود:

الف) مولانا در بلخ، قلب فرهنگی ایران بزرگ تاریخی، متولد شد و میراث فکری آن منطقه را کسب کرد. مهاجرت او نتیجه شرایط سیاسی بود، نه تغییر هویت ریشه‌ای.

ب) زبان نگارش آثار اصلی و ماندگار مولانا، زبان فارسی است. این زبان نه تنها ابزار بیان، بلکه بستر هستی‌شناختی اندیشه‌های او بوده است. زبان فارسی او را به طور مستحکم در سنت شعری و عرفانی ایران زمین جای می‌دهد.

ج) انتساب صرف مولانا به قومیت ترک صرفاً بر اساس محل وفات و اقامت، فاقد پشتوانه تاریخی-ادبی کافی است. تلاش‌های معاصر برای ملی‌سازی او را بازنتاب می‌دهد. میراث مکتوب او، علی‌رغم زبان‌های احتمالی روزمره، سند اصلی هویت اوست.

د) در پایان باز هم باید تأکید کرد که مولانا جلال‌الدین بلخی، به شکلی قاطع، یکی از بزرگترین و درخشان‌ترین ستارگان آسمان ادبیات و عرفان فارسی است. تعلق او به فرهنگ ایرانی، میراثی است که او با خود از خراسان به آناتولی برد و در آنجا، با عنایت خداوند و همراهی شمس، آن را به کمال رساند. و در نهایت این که تلاش برای محدود کردن مولانا در چارچوب‌های ناسیونالیستی محدود، بزرگترین ظلم به روح میراث اوست. مولانا خود را به عنوان «عاشق» و «سالک» معرفی می‌کند که تعلق او به «خداوند» و «حقیقت» فراتر از مرزهای قراردادی است.

جهان امروز نیازمند پذیرش مولانا به عنوان یک میراث جهانی است؛ میراثی که در بستر زبان فارسی بالیده، در خاک آناتولی به ثمر نشسته، و اکنون به همه انسان‌ها تعلق دارد. نگاه فراملی، تنها راهی است که می‌تواند عظمت فکری مولانا را به دور از بازی‌های سیاسی روزمره حفظ و ترویج کند. این امر مستلزم احترام به ریشه‌های زبانی و جغرافیایی او در شرق و پذیرش جهانی بودن پیام اوست.

آگهی مناقصه عمومی (نوبت دوم)



بدینوسیله از پیمانکاران دارای حداقل رتبه ۵ اینبه از سازمان مدیریت و برنامه ریزی دعوت میشود در صورت تمایل تا ساعت ۱۴/۰۰ مورخه ۱۴۰۴/۹/۱۵ ضمن مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir مطالعه شرایط مناقصه و اسناد مربوطه که در سایت بارگذاری شده است در مناقصه شرکت نمایند.

شهرداری جلفا در نظر دارد به استناد مصوبه شورای اسلامی محترم شهر جلفا بند یک مصوبه مورخه ۱۴۰۴/۶/۸ عملیات تکمیل اسکلت بتنی ساختمان اداری شهرداری واقع در میدان معلم شهرک امیرالمومنین را از طریق مناقصه عمومی و با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) با مبلغ پایه ۲۴۰/۶۷۴/۸۸۹/۸۷۶ ریال بشرح ذیل واگذار نماید

اطلاعات زمانی:

تاریخ نمایش در سایت	از تاریخ	ساعت	تا تاریخ	ساعت
مهلت نمایش در سایت	۱۴۰۴/۰۸/۲۶	ساعت ۰۸:۰۰	۱۴۰۴/۹/۱۵	ساعت ۱۴:۰۰
مهلت بازدید	۱۴۰۴/۰۸/۲۶	ساعت ۰۸:۰۰	۱۴۰۴/۹/۰۵	ساعت ۱۴:۰۰
مهلت ارائه پیشنهاد	۱۴۰۴/۰۸/۲۶	ساعت ۰۸:۰۰	۱۴۰۴/۹/۱۵	ساعت ۱۴:۰۰
دریافت اسناد مناقصه	تا تاریخ ۱۴۰۴/۹/۰۵ ساعت ۱۴:۰۰			
زمان بازگشایی	تاریخ ۱۴۰۴/۹/۱۶ ساعت ۱۰:۰۰			
زمان اعلام برنده	تاریخ ۱۴۰۴/۹/۱۸ ساعت ۱۲:۰۰			

شعر

بیافضه مددکن شده زهرا گرفتار



میان دود و آتش زند ناله ز نی زار
بیا فضا مدد کن شده زهرا گرفتار
در بیت پیمبر به ضرب کین شکستند
شدم آزده پهلو میان درب و دیوار
خدایا کودک من در این غوغا فدا شد
گل نشکفته من شده پرپر به گلزار
علی رادست بسته به مسجد می کشانند
نگاه شرمگینش بمانده بر من زار
مگر رفته پیمبر ز یاد اهل یثرب
که تنها یادگارش دهند اینگونه آزار
چه رسمی باشد اینجا، که بعد مرگ بابا
اسیر ظلم دوان شود دخت عذار
بود مرگم دعایم خدایا کن اجابت
که هستم بعد بابا ز دنیا سیر و بیزار
شاعر: اسماعیل تقوایی

عزاخانه

رفتی تو و زینبت ز غم می سوزد
آتش ز نوایش به دلیم افروزد
این خانه عزاخانه شود بار دگر
هر گاه نگاه خود به در می دوزد

«توقفگاه اندیشه و کتاب» در مترو تبریز افتتاح شد



شده تا مسافران ضمن انتظار برای حرکت قطار، از فرصتی کوتاه برای خواندن و تأمل بهره‌مند شوند. طراحی و اجرای این فضا توسط کانون تبلیغاتی سمعی و رسانه انجام گرفته است. مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی در آیین افتتاح این طرح، با اشاره به نقش فضای عمومی در گسترش فرهنگ کتابخوانی، گفت: ایجاد فضاهای فرهنگی کوچک اما اثرگذار در محیط‌های شهری، گامی مؤثر در تحقق شعار «کتاب، زندگی، جامعه» به شمار می‌رود. وی، از آماده‌سازی زیرساخت‌های لازم برای توسعه آن در سایر ایستگاه‌ها خبر داد. پایان اعلام کرد: بر اساس توافق انجام‌شده، تا پایان سال جاری ۱۸ ایستگاه مترو تبریز به توقفگاه‌های کتاب و نشریات مجهز خواهند شد. با اجرای این طرح، شهر تبریز به یکی از پیشگامان استفاده از ظرفیت فضاهای حمل‌ونقل عمومی در ترویج فرهنگ مطالعه در کشور تبدیل می‌شود.

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
نخستین محل مطالعه کتاب و نشریات با عنوان «توقفگاه اندیشه و کتاب» به همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی و سازمان قطار شهری تبریز و حومه، در ایستگاه مترو آبرسان افتتاح شد. به مناسبت سی‌وسومین دوره هفته کتاب جمهوری اسلامی ایران و با حضور نعمت اله پایان مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی و جمعی از فعالان حوزه چاپ و نشر و اصحاب رسانه و قلم، نخستین ایستگاه از طرح فرهنگی «توقفگاه اندیشه و کتاب» روز چهارشنبه در ایستگاه مترو آبرسان تبریز به بهره‌برداری رسید. این طرح فرهنگی با هدف ترویج فرهنگ مطالعه در میان شهروندان و مسافران مترو، با همکاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی و سازمان قطار شهری تبریز و حومه اجرا شده است. در این توقفگاه فرهنگی، بخشی برای مطالعه روزنامه‌ها، نشریات و کتاب‌های متنوع در نظر گرفته

مقام دوم آذربایجان شرقی در بزرگترین رویداد تولید محتوای رسانه‌های کشور



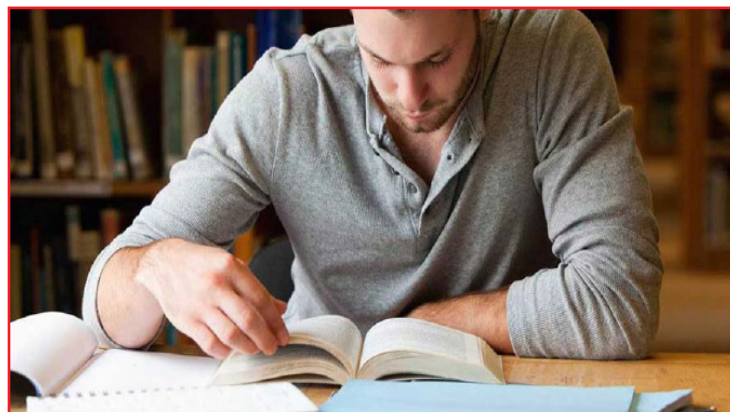
جریان‌ساز است.

به رقابت پرداختند. تیم آذربایجان شرقی که با نام «شهید آل هاشم» و با حضور نسرين سوار، الينا ابراهيمي، زهرا علمي، فائزه قره‌پور، مسعود سپهری نیا، عطا خباز و علی آقائیان به سرپرستی جواد بیرامزاده و سرتیمی مهری هاشم‌زاده در این رویداد شرکت کرده بود، در حوزه انتشار و تولید محتوا خوش درخشید و توانست در بین استان‌های سراسر کشور به مقام دوم برسد. حضور نمایندگان آذربایجان شرقی در این رویداد و کسب رتبه دوم کشوری، نشان‌دهنده ظرفیت‌های بالای رسانه‌های استان در تولید محتوای حرفه‌ای و

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
در بزرگترین رویداد تولید محتوای کشور تحت عنوان «جام رسانه امید» که با حضور ۷۰۰ خبرنگار از سراسر کشور و همچنین خبرنگاران خارجی در تهران برگزار شد، نمایندگان آذربایجان شرقی موفق شدند رتبه دوم کشوری را کسب کنند. شرکت کنندگان در این لیگ ملی در راستای گسترش جریان تولید خبر خوب، امیدآفرینی و معرفی دستاوردهای ایران اسلامی در قالب‌های متنوع رسانه‌ای از جمله گزارش، تولیدات چندرسانه‌ای، تیزر، یادداشت و محتوای مبتنی بر هوش مصنوعی

بر اساس نتایج تازه‌ترین نظرسنجی؛

ایرانی‌ها ۱۱ دقیقه در روز کتاب می‌خوانند



طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
نتایج تازه‌ترین نظرسنجی «فرهنگ کتابخوانی در ایران» منتشر شد و بر اساس ایرانی‌ها با احتساب جمعیت، ۱۱ دقیقه در روز کتاب می‌خوانند و کتاب کاغذی، همچنان پیشواز بازار کتاب است. این نظرسنجی از سوی مرکز طرح‌های ملی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در هفته سوم آبان ۱۴۰۴ و با مشارکت ۱۲۳۴ شهروند ۱۸ سال به بالا به‌صورت تلفنی انجام شده است. طبق نتایج، ۲۱.۲ درصد از کتاب‌خوان‌ها، بیشترین مطالعه خود را به رمان و داستان اختصاص می‌دهند؛ پس از آن کتاب‌های تاریخی (۱۵.۴ درصد)، روانشناسی و تربیتی (۱۴.۷ درصد) و کتب تخصصی (۱۴.۵ درصد) قرار دارند. علاقه به کتاب کاغذی همچنان پرنگ است: ۵۲.۴ درصد افراد، بیشتر کتاب‌های چاپی و کاغذی مطالعه می‌کنند. کتاب‌های

«نود و نهمین نفر» منتشر شد

طرح نو؛ گروه فرهنگ و ادب
اسم همه را نوشتیم، جز یک نفر. «مهدی موحدینا» شد نود و نهمین نفر، یکی مانده به آخر! بهش خندیدیم: «تو شویدی هم نمی‌شوی، چه برسد به شهید». گفتیم: «تو شهید شوی، وای به حال شهید!»
کتاب «نود و نهمین نفر» نوشته محمد حکم‌آبادی منتشر شد. این کتاب سرگذشت شهید مدافع حرم، مهدی موحدینا است؛ داعش که به سوریه حمله کرد، مهدی عازم دمشق شد و توانست نیروی اطلاعات عملیات شود. کسی فکرش را نمی‌کرد مهدی شهید

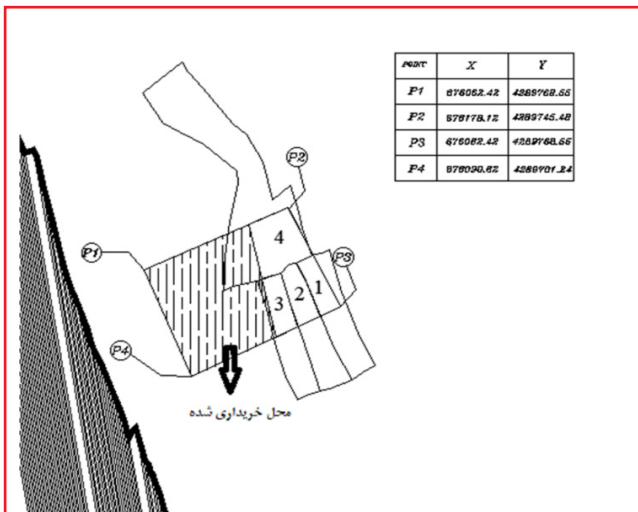
شود. چون کارهایی می‌کرد که شهدا اهلس نبودند. با خواندن این کتاب، میتوان فراز و فرودهای زندگی این شهید مدافع حرم را چشید، همراه مشکلاتش شد، با خنده‌های خندید و با غصه‌های غصه‌دار شد. در بخشی از کتاب می‌خوانیم: پایگاه هزارتا عضو فعال داشت. اسم صدنفری که همیشه پای کار بودند فهرست کردیم. بعد روی کاغذ سفید دیگری نوشتیم: «یک: ... سر اینکه چه کسی احتمال شهادتش بیشتر است، بحث کرده‌اند. پس از آن خستگی ذهنی و هزینه بالای کتاب در رتبه‌های بعدی قرار دارد.

سه ما از نزولات آسمانی محدود است، آنرا به قدر نیاز مصرف کنیم.

آگهی تملک اراضی طرح آبرسانی به کلبر واقع در روستای نوجه ده شهرستان کلبر



شرکت آب منطقه‌ای
استان آذربایجان شرقی



شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان شرقی در نظر دارد به استناد مقررات لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران نسبت به تملک اراضی، املاک و پرداخت خسارات وارده به مالکین و صاحبان حقوق واقع در **محدوده تملک طرح آبرسانی به شهرستان کلبر** (مطابق کادستری تهیه شده از اراضی روستای نوجه ده) اراضی متعلق به آقای قهرمان پور عبیدی، بهنام دهقانی و وراث مرحوم احمد خانی اقدام نماید. بدینوسیله به اطلاع مالکین و صاحبان سایر حقوق قانونی C اراضی فوق الذکر می‌رساند، حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ انتشار این آگهی با در دست داشتن اسناد مثبت مالکیت و یا سایر حقوق قانونی خود به دفتر حقوقی یا نمایندگی این شرکت واقع در کارگاه سد پیغام مراجعه فرمایند. ضمناً نظر به اینکه تعیین بهای عادلانه حقوق متعلقه براساس نظر هیات کارشناسی به عمل می‌آید، بنابراین مقتضی است همزمان با تحویل اسناد و مدارک مالکیت، کارشناس منتخب و مرضی الطرفین خود را نیز تعیین نمایند.

بدیهی است در صورت عدم مراجعه جنابعالی در مدت مذکور مطابق مقررات قانونی اقدام خواهد شد

روابط عمومی آب منطقه‌ای
آذربایجان شرقی

روزنامه طرح نو شناسه آگهی: ۲۰۵۱۳۱۵ م الف: ۱-
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱

فرماندار شهرستان کلپیر:

پرورش و تربیت باید در اولویت اول قرار گیرد



رفع این آسیب اجتماعی بزرگ بسیار پررنگ و خطیر اعلام و تأکید کرد: پرورش و تربیت باید در اولویت اول قرار گیرد. مهندس بهنیا فرم مدیریت شبکه بهداشت و درمان کلپیر نیز ضمن ارائه آمار مربوط به خودکشی و افراد نجات یافته از خودکشی‌های ناموفق در سطح شهرستان با بیان اینکه

طرح نو: کلپیر- معصومه علویوند
فرماندار شهرستان کلپیر در کمیته سلامت و روان و مراقبت‌های اجتماعی (پیشگیری از خودکشی) که با حضور دکتر آقاجان زاده معاون آسیب‌ها و مسائل اجتماعی اداره کل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری و مسئولان دستگاه‌های اجرایی، مدیران، مشاوران و کارشناسان حوزه سلامت و آموزش و دبیران اجرایی تشکیل‌های مردم نهاد در کلپیر برگزار شد، اظهار داشت: تکلیف تمام نهادهای زیربسط بویژه دانشگاه‌ها، بهداشت و درمان، بهزیستی، آموزش و پرورش در تعیین زیر ساخت‌های اصولی و اساسی و تخصصی جهت پیشگیری این آسیب اجتماعی نقش بسزا و سازنده ای دارد.

مهندس محمدی با ابراز نگرانی از بروز وقوع جرم‌های خاص در شهرستان، اختلافات خانوادگی، افسردگی و اعتیاد را از علل عمده خودکشی در جامعه برشمرد و اذعان داشت: برنامه ریزی عملی در راستای کاهش آمار خودکشی بسیار ضروری و با استفاده از یک استراتژی جامع پیشگانه حمایتی، عاطفی و روانی برای گروه‌های در معرض خطر باید وارد عمل شد. وی در این میان نقش موثر مشاوران را در

خود مراقبتی را لازم و ضروری دانست و افزود: با هماهنگی بهزیستی و آموزش و پرورش در راستای ارتقای سطح آگاهی کارشناسان و مشاورین سلامت و روان جلسات و کارگاه‌های آموزشی علاوه بر موضوع خود مراقبتی، در زمینه خودآگاهی و تنظیم هیجانی، تاب‌آوری، پرورش امید و مواجهه با اشتباهات، شکوفایی عزت‌نفس، اصلاح خوددرمانی، شناخت تحریف‌های شناختی، ذهن‌آگاهی و تکنیک‌های آرام‌سازی آمادگی برگزاری کارگاه‌های گروهی را دارد.

مدیریت آموزش و پرورش کلپیر نیز در این نشست خاطر نشان کرد: یکی از پیش زمینه‌های موفقیت در برنامه‌های پیشگیری و کاهش آسیب خودکشی از آسیب‌های اجتماعی مسئله اعتبار رازداری است. نجف زاده همچنین در طرح نماد یا نظام مراقبت اجتماعی دانش آموزان با رویکرد خود مراقبتی، بهبود مهارت‌های اجتماعی، آموزش فرهنگ سازی در درمان بیماری‌های روحی و روانی، تقویت بنیه اعتقادی و مذهبی، تقویت بنیان خانواده، هوشیاری بیشتر مرئیان و مشاورین در راستای کنترل و کاهش آسیب خودکشی بر ضرورت مقابله با پدیده خودکشی و شناسایی

آن در بستر ریشه‌های آسیب‌های اجتماعی را عنوان نمود. نجف زاده همچنین خاطر نشان کرد: اعتلاف نه گانه باید دست به دست هم داده تا به رفع مشکلات اهتمام جدی، تعلیم از دوران کودکی، آموزش‌های ضروری مرئیان و مدیران نظام آموزشی با تحولات ذهنی نسل جدید، شناخت واقعیت‌های امروز با کنترل و کاهش استرس و اضطراب ارائه و نهادینه گردد.

دکتر آقاجان زاده، معاون آسیب‌ها و مسائل اجتماعی اداره کل امور اجتماعی و فرهنگی استان نیز با اشاره به بیشترین آمار خودکشی به سنین ۱۵-۲۴ تأکید کرد: مباحث و معضلات اجتماعی در یک روز حل نمی‌شود باید به این مقوله و آسیب اجتماعی بسیار متفاوت و جدی نگاه کرد و بحث هم افزایی و ارتباطات و هماهنگی بین بخش‌ها را مورد توجه قرار داده و بحث نشاط آوری صحیح در بین دانش آموزان را رواج دهد.

گفتنی است: رصد و غربالگری و پایش دانش آموزان آموزش و پرورش شهرستان کلپیر در سطح استان رتبه هشتم استانی را دارا می‌باشند.

پوستر جشنواره چهل و یکم موسیقی فجر با طراحی بهراد خلیلی رونمایی شد



در بخش دیگری از این جلسه، محمدمهدی احمدی، مشاور عالی وزیر و سرپرست معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به جایگاه کشف استعدادها درخشان و اهمیت نگاه ملی و وحدت‌آفرین جشنواره اشاره کرد و افزود: امسال بخش ویژه‌ای با عنوان جایزه «پیامبر رحمت» به مناسبت هزار و پانصدمین سال میلاد پیامبر اکرم (ص) به جشنواره افزوده شده است.

در پایان نشست، حاضرین با رونمایی رسمی از پوستر چهل و یکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر، آغاز رسمی

تابیوگرافی قرینه و فاقد نقطه واژه «فجر» قرار گرفته که از یک واژه به نمادی مستقل تبدیل شده است. خطوط طلایی شناور پیرامون محور، نمادی از ریتم، حرکت و ارتعاش موسیقی هستند که به پوستر روح و پویایی بخشیده‌اند. وی درباره رنگ‌بندی و فضای بصری اثر افزود: «بهره‌گیری از زمینه‌های عمیق، همراه با درخشش طلایی و تأکیدات قرمز، جلال و نور جشنواره را بازتاب می‌دهد. هدف اصلی از این طراحی نمایش هویت معاصر و فاخر موسیقی فجر در قالبی ساختاریافته و تأثیرگذار بوده است.»

هنرهای تجسمی در قالب فراخوانی ملی به رقابت گذاشته شد و حدود ۴۰ اثر به دبیرخانه ارسال گردید، اما هیچ یک از طرح‌های ارسال‌شده از نگاه شورای کارشناسی برای جشنواره انتخاب نشد. در نهایت سفارش طراحی پوستر به بهراد خلیلی، گرافیکست برجسته آذربایجان شرقی، واگذار شد. بهراد خلیلی، طراح این پوستر، در توضیح ویژگی‌های اثر خود گفت: «این پوستر بر محور عمودی استوار است که نمایانگر قار، اصالت و هویت ملی جشنواره است. در مرکز،

طرح نو: گروه فرهنگ و هنر
در پنجمین جلسه شورای سیاستگذاری جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر، از پوستر چهل و یکمین دوره این رویداد با طراحی بهراد خلیلی، گرافیکست تبریزی، رونمایی شد.

در این نشست که در محل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد، جمعی از مدیران هنری، اعضای شورای سیاستگذاری و طراحان گرافیک حضور داشتند. طبق اعلام دبیرخانه جشنواره، پوستر این دوره با مشارکت مرکز

سهم ما از نزولات آسمانی محدود است، آنرا به قدر نیاز مصرف کنیم.

آگهی مزایده عمومی (نوبت دوم)



شرکت آب منطقه ای استان آذربایجان شرقی

الف) مزایده گزار: شرکت سهامی آب منطقه ای آذربایجان شرقی

ب) موضوع مزایده: عبارت است از فروش یک دستگاه خودروی سواری پژو ۴۰۵ (۱۵ - ۶۴۵ الف ۱۳) مدل ۱۳۸۹ و پژو پارس (۱۵ - ۷۶۸ الف ۱۱) طبق شرایط و مشخصات مندرج در اسناد مزایده و با بهره‌گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) به صورت الکترونیکی با شماره مزایده (شماره سیستمی) ۱۰۰۴۰۰۱۱۸۶۰۰۰۰۰۳

ج) نوع و مبلغ تضمین شرکت در مزایده به شرح جدول ذیل می‌باشد.

ردیف	شماره پارتی	نام و نوع خودرو	شماره پلاک	مدل	رنگ	تعداد محور	مبلغ تضمین شرکت در مزایده (ریال)
۱	۱۰۰۴۰۰۱۱۸۶۰۰۰۰۰۳	پژو پارس	۱۱-۷۶۸ الف ۱۱	۱۳۸۴	خاکستری متالیک	۲	۹۵,۰۰۰,۰۰۰
۲	۱۰۰۴۰۰۱۱۸۶۰۰۰۰۰۴	پژو ۴۰۵	۱۵-۶۴۵ الف ۱۳	۱۳۸۹	نقره ای متالیک	۲	۱۱۵,۰۰۰,۰۰۰

شرکت کنندگان در مزایده می‌توانند بصورت انتخابی و یا برای هر دو پارتی (هر دو خودرو) پیشنهاد قیمت ارائه نمایند و در صورت ارائه قیمت برای هر دو پارتی (هر دو خودرو) باید برای هر پارتی (هر خودرو) تضمین مجزا و جداگانه ارائه نمایند.

که باید ضمن درج و بارگذاری تصویر آن در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) اصل آن نیز بصورت فیزیکی در پاکت الف و به یکی از شکل‌های ذیل تهیه و ارائه گردد.

۱- رسید بانکی واریز نقدی به حساب IR ۸۳۰۱۰۰۰۴۰۰۱۱۱۶۲۰۶۳۷۶۸۰۳ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بنام تمرکز وجوه سپرده شرکت های دولتی آب منطقه ای آذربایجان شرقی.

۲- ضمانت نامه بانکی (هر دو مورد به نفع شرکت سهامی آب منطقه ای آذربایجان شرقی و به نام متقاضی باشد).

د) محل، زمان و مهلت دریافت اسناد، محل تحویل و گشایش پیشنهادها:

کلید اشخاص حقیقی و حقوقی که داوطلب شرکت در مزایده می‌باشند باید در سامانه (www.setadiran.ir) ثبت نام نموده و گواهی امضای الکترونیکی (توکن) دریافت نمایند. ثبت نام کنندگان در سامانه مذکور با پرداخت مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال (واریز به حساب IR ۴۴۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۶۲۰۴۰۲۰۸۹۰ پس از درج آگهی نوبت دوم به سامانه ستاد ایران مراجعه و نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند) (زمان انتشار در سایت از تاریخ ۱۴۰۴/۹/۲ می‌باشد و مهلت دریافت اسناد مزایده در سامانه (www.setadiran.ir) درج شده است)

ضمناً رعایت موارد ذیل الزامی است:

۱- برگزاری مزایده صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می‌باشد و کلیه مراحل فرایند مزایده شامل خرید و دریافت اسناد مزایده، ارائه پیشنهاد قیمت، بازگشایی پاکت، اعلام به برنده، واریز وجه مزایده و تحویل کالا در بستر سامانه از این طریق امکان پذیر می‌باشد.

۲- پیشنهاد می‌گردد شرکت کنندگان قبل از ارائه پیشنهاد قیمت از موضوع مزایده بازرسی نمایند.

۳- علاقه‌مندان به شرکت در مزایده می‌بایست جهت ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (توکن) به دفاتر منتخب پیشخوان دولت در سراسر ایران مراجعه نمایند. (لیست دفاتر منتخب در سامانه (www.setadiran.ir) درج شده است). شماره تماس مرکز راهبری و پشتیبانی سامانه: ۴۱۹۳۴ - ۰۲۱ می‌باشد.

۴- قیمت پیشنهادی و تضمین شرکت در مزایده باید در سامانه درج و بارگذاری شود. پیشنهادهای ارائه شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) و کلیه اسناد و مدارک شرکت کنندگان در مزایده در ساعت ۱۱ صبح روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۹/۱۹ در اتاق کمیسیون به نشانی تبریز - بلوار ۲۹ بهمن - شرکت سهامی آب منطقه ای آذربایجان شرقی - ساختمان شماره ۳ از طریق سامانه گشایش و رسیدگی خواهد شد. تلفن: ۳۳۳۸۲۵۲۷ و ۳۳۳۸۲۵۶۰ - ۰۴۱

۵- شرکت کنندگان در مزایده علاوه بر تکمیل موارد خواسته شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) باید مدارک ذیل را پس از مهر/ اثر انگشت و امضاء در پاکت های لاک و مهر شده الف و ب قرارداد و همگی پاکت را در یک پاکت نهایی سربسته و لاک و مهر شده گذاشته و بصورت فیزیکی (با ذکر عنوان مزایده، نام و مشخصات خودرو، نام و نام خانوادگی (اشخاص حقیقی) و نام شرکت (اشخاص حقوقی)، نشانی، شماره تلفن) تا ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۹/۱۹ به نشانی تبریز - بلوار ۲۹ بهمن - شرکت سهامی آب منطقه ای آذربایجان شرقی - دفتر حراست شرکت تحویل نمایند.

الف- اصل تضمین شرکت در مزایده باید بصورت فیزیکی در داخل یک پاکت سربسته و لاک و مهر شده (پاکت الف) (با ذکر نام و مشخصات خودرو، نام شرکت کننده، شماره تلفن، پاکت الف). (ضمناً باید در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) نیز درج و بارگذاری شود)

ب- کلیه اسناد شرایط شرکت در مزایده و مدارک باید در سامانه ستاد بارگذاری گردد. در صورت عدم بارگذاری از دور مزایده کنار گذاشته خواهد شد.

* متن آگهی در سایت های www.azarwater.ir و www.setadiran.ir و <http://www.iets.mporg.ir> درج شده است.

تحلیل تحولات ۲۰۲۳–۲۰۲۵ و آینده‌پژوهی محور ایران و مقاومت؛

خاورمیانه در بحران و رقابت



طرح نو؛ جمشید پوراسمعیل نیازی

بخش دوم....

ظهور محور مقاومت؛ از شکست‌های عربی تا انقلاب ایران

شکست اعراب در جنگ شش‌روزه سال ۱۳۴۶ تنها یک ناکامی نظامی نبود؛ بلکه ضربه‌ای بود که بنیان‌های فکری، روانی و سیاسی کشورهای عربی را لرزاند. رژیم تروریستی در کمتر از یک هفته بخش‌های بزرگی از اراضی عربی را اشغال کرد و جهان عرب را با این واقعیت تلخ مواجه ساخت که ساختار نظامی و ایدئولوژیک آن‌ها، با وجود شعارهای پرهیاهو، توان مقابله با رژیم تروریستی را ندارد. این شکست، خلأیی در اعتبار دولت‌های عربی، اعتماد عمومی به ارتش‌ها و مشروعیت ناسیونالیسم عربی ایجاد کرد.

سال‌ها بعد، بسیاری از تحلیلگران این دوره را «دوران سرخوردگی جمعی» نامیدند؛ دورانی که جهان عرب هیچ الگوی جایگزینی برای مقابله با رژیم تروریستی نداشت و تلاش‌ها برای بازسازی جبهه‌ی متحد عربی نیز ناکام ماند. در چنین فضایی، تحولی ناگهانی از شرق خاورمیانه سر برآورد؛ تحولی که نه از جهان عرب، بلکه از ایران سرچشمه گرفت، پیروزی انقلاب اسلامی در زمستان ۱۳۵۷ همه‌ی معادلات را تغییر داد. سقوط رژیم پهلوی، که متحد راهبردی آمریکا و رژیم تروریستی در منطقه بود، و روی کار آمدن نظامی با سیاست خارجی مبتنی بر مخالفت با اشغالگری و حمایت از مظلومان، باعث شد خاورمیانه وارد مرحله‌ای تازه شود.

برای نخستین‌بار پس از ناکامی اعراب در جنگ‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳، نیرویی ظاهر شد که نه تنها شعار مقاومت سر می‌داد، بلکه توان و اراده‌ی عملی اجرای آن را نیز داشت. برخلاف دولت‌های عربی که انگیزه آن‌ها بیشتر سیاسی بود، جمهوری اسلامی ایران از ابتدا رویکردی ایدئولوژیک و اصول‌محور داشت؛ رویکردی که مقابله با اشغالگری را یک وظیفه‌ی اخلاقی می‌دانست، نه صرفاً یک موضوع سیاسی.

این تحول، زمین بازی خاورمیانه را تغییر داد. ایران با تکیه بر ظرفیت‌های فرهنگی، سیاسی و نظامی خود، به‌تدریج شبکه‌ای از نیروهای هم‌سو را سازمان‌دهی کرد. نقطه‌ای اوج این شبکه‌سازی، شکل‌گیری حزب‌الله لبنان در دهه ۱۳۶۰ بود؛ گروهی که پاسخی مستقیم به اشغال جنوب لبنان توسط رژیم تروریستی محسوب می‌شد. حزب‌الله، با پشتیبانی ایران، توانست عملیات چریکی کلاسیک را به یک ساختار نظامی – سیاسی مدرن تبدیل کند و به نخستین نیروی عربی بدل شود که رژیم تروریستی را وادار به عقب‌نشینی بدون مذاکره کرد. این پیروزی در سال ۱۳۷۹، اعتبار محور مقاومت را دوچندان کرد و نشان داد که می‌توان از دل شکست‌های تاریخی، الگویی تازه برای مقابله با رژیم تروریستی ساخت.

این روند تنها به لبنان محدود نماند. در غزه، ایران با حمایت از حماس و جهاد اسلامی، زمینه‌ساز تحولی شد که جنوب فلسطین را به یکی از مهم‌ترین کانون‌های مقاومت تبدیل کرد. غزه، به‌رغم محاصره‌ی شدید، توانست بازدارندگی جدیدی علیه رژیم تروریستی ایجاد کند و معادلات امنیتی منطقه را تغییر دهد.

در عراق و سوریه نیز عناصر این محور تکمیل شدند. پس از سقوط صدام در سال ۱۳۸۲، شرایط سیاسی عراق فضایی فراهم کرد تا گروه‌های مردمی و شبه‌نظامی با حمایت ایران به بازیگران اثرگذار تبدیل شوند. این گروه‌ها بعدها در مقابله با داعش و جلوگیری از نفوذ رژیم تروریستی و متحدانش نقش مهمی ایفا کردند. در سوریه نیز، حمایت ایران از دولت مرکزی در طول جنگ داخلی، ستون‌ فقرات محور مقاومت را حفظ کرد و مانع از فروپاشی کامل ساختاری شد که اتصال تهران تا مدیترانه را ممکن می‌کرد.

در نهایت، آنچه امروز به عنوان محور مقاومت شناخته می‌شود، صرفاً یک ائتلاف سیاسی یا نظامی نیست؛ بلکه یک چارچوب ژئوپلیتیکی گسترده است که از تهران آغاز می‌شود و تا بغداد، دمشق، بیروت و غزه امتداد دارد. این محور مدلی نوین از قدرت در خاورمیانه ایجاد کرده است؛ مدلی ترکیبی از بازیگران دولتی و غیردولتی، ظرفیت اجتماعی، ایدئولوژی مشترک و تاکتیک‌های غیرمتعارف.

برای رژیم تروریستی و غرب، این محور یک تهدید مستقیم است؛ تهدیدی که نه فقط مرزهای رژیم تروریستی، بلکه طرح‌های منطقه‌ای آمریکا، اروپا و برخی کشورهای عربی را تحت تأثیر قرار داده است. اما برای بسیاری از مردم منطقه، محور مقاومت پاسخی است به دهها اشغال، تحقیر و بی‌ثباتی؛ پاسخی که ریشه‌های آن در زنجیره‌ای از شکست‌ها، انقلاب‌ها و تحولات تاریخی نیم‌قرن گذشته نهفته است.

۳-حملات رژیم تروریستی به محور مقاومت

حذف چهره‌های کلیدی؛

تمرکز بر بازیگران، شوه‌ها، اهداف و پیامدها

در چارچوب عملیات گسترده علیه شبکه نفوذ ایران در منطقه، یکی از مؤلفه‌های محوری راهبرد طرف مقابل «متمرکز ساختن ضربه بر رهبری و نخبگان» بود؛ هدف گذاری دقیق افرادی که نقش محوری در هدایت، هماهنگی و تأمین فنی محور مقاومت داشتند. این سیاست – که تعامل تهاجمی اطلاعاتی، عملیات ویژه و حملات هوایی را با هم تلفیق می‌کرد – چند هدف هم‌زمان دنبال می‌کرد: اختلال در زنجیره فرماندهی، اختلال فنی در برنامه‌های حساس، و ایجاد بازدارندگی روانی در میان نیروها و حامیان ایران. در ادامه چهار بخش اصلی را مرور می‌کنیم:

الف- بازیگرانی که حذف یا تهدید شدند: در جریان تشدید درگیری‌ها و حملات متقابل میان رژیم تروریستی و محور مقاومت، حذف فیزیکی و هدف‌گیری رهبران و فرماندهان میدانی، به‌عنوان بخشی از راهبرد «جنگ سایه‌ها» مورد استفاده قرار گرفت. محور مقاومت که شامل شبکه‌ای از بازیگران رسمی و نیابتی در لبنان، فلسطین، عراق، سوریه و یمن است، در این دوره بیشترین فشار امنیتی و اطلاعاتی را تجربه کرد: حزب‌الله لبنان؛ ساختار رهبری حزب‌الله در معرض تهدید مستقیم قرار گرفت. حملات هوایی و پهپادی رژیم تروریستی در مناطق جنوبی بیروت و بقاء، چند تن از فرماندهان لجستیکي و ارتباطی حزب را هدف قرار داد. گزارش‌های منابع غربی از سال ۲۰۲۵ حاکی از آن است که رژیم صهیونیستی با همکاری سرویس‌های اطلاعاتی برخی کشورهای غربی، عملیات نفوذ الکترونیك در شبکه‌های ارتباطی حزب‌الله را آغاز کرد. در این میان، سید حسن نصرالله نیز چندین بار مورد تهدید مستقیم قرار گرفت و مجبور به تغییر محل اقامت و تدابیر حفاظتی ویژه شد. تحلیلگران، این مرحله را تلاشی برای «قطع سر مار» در ساختار مقاومت لبنان می‌دانند.

گروه‌های فلسطینی: رهبران سیاسی و نظامی گروه‌های فلسطینی نیز در مرکز هدف قرار داشتند. بارزترین نمونه، تلاش برای ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، در جریان سفر خارجی وی بود که با محکومیت گسترده بین‌المللی روبه‌رو شد. علاوه بر آن، حملات پهپادی به غزه و ریح، موجب از میان رفتن چند تن از فرماندهان سریال‌القدس و کتابت القسام شد؛ رسانه‌ای بین‌المللی از این اقدام‌ها با عنوان «قطع زنجیره فرماندهی مقاومت» یاد کردند.

حشد الشعبی و گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به ایران در عراق و سوریه: در عراق، گردان‌های اصلی حشد الشعبی، از جمله کتابت حزب‌الله و النجباء، به دفعات هدف حملات هوایی منتسب به رژیم تروریستی قرار گرفتند. این حملات، که عمدتاً در مناطق مرزی القامد و ریف تمرکز داشت، موجب کشته شدن چند فرمانده ارشد میدانی و تخریب انبارهای مهمات و سامانه‌های موشکی کوتاه‌برد گردید. در سوریه نیز حملات هوایی مکرر به مراکز نظامی مرتبط با سپاه قدس، تلاشی آشکار برای قطع خطوط پشتیبانی ایران به حزب‌الله بود.

شبکه‌های پشتیبانی فنی و دانشمندان:در سطحی دیگر، بخشی از حملات رژیم تروریستی و هم‌پیمانانش بر حذف و اختلال در شبکه‌های پشتیبانی علمی و فنی تمرکز داشت، چند تن از کارشناسان و دانشمندان مرتبط با پروژه‌های موشکی و پهپادی ایران و گروه‌های همسو در سوریه و لبنان در عملیات‌های هدفمند کشته یا ناپدید شدند. در برخی گزارش‌ها از نفوذ سایبری در سامانه‌های کنترل و ارتباطات سپاه قدس و همچنین ترور چهره‌های علمی یاد شده است. این اقدامات با هدف فلج‌سازی تدریجی توان بازدارندگی محور مقاومت از طریق «جنگ زیرساختی و شناختی» ارزیابی می‌شود.

نمونه‌های برجسته‌ای که در پوشش خبری بین‌المللی ثبت شده‌اند، شامل ترور اسماعیل هنیه (حماس) – که در تهران به شهادت رسید – و حملات مکرر علیه فرماندهان و اعضای حزب‌الله در لبنان و در سال ۲۰۲۵ نیز مواردی از حذف و تلفات در میان فرماندهان گزارش گردید.

حذف یا تهدید رهبران مقاومت، اگرچه در کوتاه‌مدت موجب اختلال در فرماندهی و کاهش هماهنگی عملیاتی شد، اما در بلندمدت، نوعی هم‌گرایی و انسجام میان نیروهای پراکنده محور مقاومت ایجاد کرد. موج جدیدی از جانشینی‌های نسلی، بازاریابی در ساختارهای تصمیم‌گیری، و تلاش برای بومی‌سازی فناوری‌های دفاعی، از پیامدهای مستقیم این سیاست حذف بود. از این منظر، راهبرد رژیم تروریستی برای «تضعیف با قطع سرها»، به بازتولید ساختارهای مقاومت در سطوح پایین‌تر و غیرمتمرکز انجامید.

ب- نوع حملات – مجموعه ابزارها و روش‌ها: استراتژی هدف‌گیری رهبری محور مقاومت چندوجهی بود؛ از جمله: حملات هوایی و پهپادی دقیق: حملاتی که به ساختمان‌ها، مقرها و محل تجمع فرماندهان انجام شد و با توان هدایت‌شونده و پهپادهای دورایستا اجرا گردید. در بسیاری از موارد، حملات با استفاده از پهپادهای دوربرد و جنگنده‌های پیشرفته به‌صورت هدفمند به ساختمان‌ها، مقرهای فرماندهی و محل تجمع فرماندهان انجام شد؛ این حملات با هدف حذف رهبری و از کارانداختن نقاط تصمیم‌گیری طراحی شده بودند. گزارش‌های متعدد نشان می‌دهد که رژیم تروریستی حملات مداومی را علیه مواضع حزب‌الله در لبنان و پایگاه‌های مرتبط در سوریه انجام داده و در سال ۲۰۲۵ نیز ضرباتی مشابه تکرار شد.

حملات موشکی و حملات نقطه‌ای: برای نابودسازی پایگاه‌ها و مراکز فرماندهی و نیز ایجاد فضای فشار عملیاتی. در کنار حملات هوایی، موشک‌های بالستیک و موشک‌های کروز/هدایت‌شونده برای نابودی پایگاه‌ها، انبارهای مهمات و مراکز فرماندهی به‌کار رفتند؛ این حملات هم برای وارد کردن خسارت فیزیکی و هم برای ایجاد «فشار عملیاتی» در خطوط پشتیبانی طراحی شده بودند. در جریان جنگ ۱۲ روزه، گزارش‌ها حاکی از حملات موشکی گسترده و تلافی‌جویانه بین طرفین بود که زیرساخت‌هایی را در هر دو سمت هدف گرفت. به طور مثال ایالات متحده و رژیم تروریستی در جریان اوج بحران به تاسیسات هسته‌ای ایران (نطنز، فردو، اصفهان) حملاتی انجام دادند که طبق گزارش‌ها بخشی از ظرفیت غنی‌سازی و زیرساخت‌ها را تخریب یا به‌طور قابل تأملی آسیب‌پذیر ساخت.

عملیات سایبری: نفوذ به شبکه‌های ارتباطی و سامانه‌های فرمان‌دهی برای فلج‌سازی هشدارها و اختلال در هماهنگی (گزارش‌ها بر نقش عملیات سایبری در فلج‌سازی برخی سامانه‌ها تأکید کرده‌اند). جنگ نوین، بدون بعد سایبری ناقص است. نفوذ به شبکه‌های ارتباطی، سامانه‌های رصد و کنترل و ابزارهای فرماندهی برای «فلج‌سازی هشدارها» و اختلال در هماهنگی عملیاتی، از ارکان مهم بود. گزارش‌ها نشان می‌دهد طرف‌های درگیر هم حملات سایبری را به‌عنوان مکمل حملات فیزیکی به‌کار گرفتند و این فشار سایبری، به‌ویژه در روزهای اوج‌گیری در توان پاسخ‌دهی مؤثر بوده است. انفجار پیج‌رها/تأمین‌کننده‌های ارتباطی آلوده: یکی از روش‌های قابل توجه و نسبتاً جدید، هدف‌گیری ابزارهای پشتیبانی ارتباطی و لجستیکي بوده است؛ واقعه‌ای که در سپتامبر ۲۰۲۴ رخ داد – انفجار گسترده‌ی پیج‌رها و تجهیزات ارتباطی تحویل‌داده‌شده به عناصر حزب‌الله – نمونه‌ای از حملات هدف‌دار به ابزارهای لجستیکي و ارتباطی بود که ضربه‌ای بزرگ به قابلیت‌های عملیاتی این گروه زد و نوعی «حمله لجستیکي/توزیقی» را نشان داد. این نوع عملیات نشان داد که «قطع یا آلوده‌سازی ابزارهای ارتباطی» می‌تواند کارآیی یک شبکه نظامی را به‌سرعت کاهش دهد.

عملیات ویژه و نفوذ انسانی: گزارش‌ها نشان می‌دهد که اعزام عوامل نفوذی، کارگذاری بمب‌های کوچک یا دستگاه‌های منفجره در محل استراحت یا اقامت رهبران، و به‌کارگیری «مزدوران» یا شبکه‌های محلی برای اجرای ترورها و خرابکاری، بخشی جدانشدنی از کارزار حذف رهبران بود. این نوع عملیات اغلب با همکاری اطلاعاتی متعدد و پوشش دیپلماتیک اجرا شد. نمونه برجسته این نوع حملات، ترور اسماعیل هنیه در جولای ۲۰۲۴ است که پوشش گسترده‌ای یافت. منابع خبری بین‌المللی، از جمله رویترز، درباره‌ی نحوه‌ی شهادت اسماعیل هنیه گزارش دادند و اشاره کردند که قتل وی بخشی از کمپین هدف‌گیری رهبران بوده است. (گزارش‌های تحقیقی و رسانه‌ای درباره‌ی روش‌های متنوع حذف رهبران منتشر شده‌اند).

این تلفیق ابزارها نشان می‌دهد طرفی که می‌خواهد یک رقیب پیچیده و پراکنده مثل «محور مقاومت» را تضعیف کند، به جای تکیه بر یک ابزار منفرد، از حمله‌ی هم‌زمان به ساختار فیزیکی، شبکه‌های ارتباطی، زیرساخت‌های لجستیکي و زنجیره‌های رهبری استفاده می‌کند. مزایای این رویکرد عبارت‌اند از: کاهش توان پاسخ‌دهی سریع دشمن از طریق هم‌زمانی اختلال در ریاضات‌های تصمیم‌گیری و پشتیبانی؛ افزایش فشار روانی و تزلزل در میان نیروها و فرماندهان؛ امکان بهره‌برداری از خلأهای موقت برای انجام حملات نقطه‌ای و هدف‌دار.

این رویکرد در عین مؤثر بودن، دارای پیامدهای بلندمدت نیز هست: حذف رهبران می‌تواند به پراکنده‌سازی تصمیم‌گیری و بدل شدن ساختارها به شکل غیرمتمرکز منجر شود، که مقابله با آن در درازمدت سخت‌تر است – پدیده‌ای که در تحولات پس از ۲۰۲۴–۲۰۲۵ نیز مشاهده شده است. ج- اهداف استراتژیک حذف چهره‌ها: حذف یا هدف‌گیری رهبران و عناصر کلیدی محور مقاومت نه عمل تصادفی بود و نه تنها یک «عملیات تاکتیکی»؛ بلکه بخشی از یک راهبرد راهبردی چندلایه بود که اهداف بلندمدت و میان‌مدت مشخصی را دنبال می‌کرد. در ادامه هر یک از این اهداف را با شواهد عملی و تحلیل نظری بررسی می‌کنیم:

محدود کردن نفوذ ایران در منطقه: با از میان برداشتن رهبران کلیدی و شبکه‌های پیوندهنده‌ی تهران با نیابتی‌ها، تهران در انتقال دستورات و نیروی مؤثر با مانع مواجه می‌شد. هدف‌گذاری رهبران کلیدی و «پیوندهندگان» تهران با گروه‌های نیابتی، تلاشی شاخص برای قطع خط‌های فرمان، ارتباط و تأمین بود. با حذف چهره‌هایی که نقش هماهنگ‌کننده، تسهیل‌کننده لجستیک یا پیوندهنده‌ی تصمیمات تهران با نیروهای محلی را دارند، انتقال دستورات تهران به نیابتی‌ها کند یا مختل می‌شود – امری که می‌تواند در کوتاه‌مدت از شدت عملیات با دقت آنها بکاهد. نمونه‌ی مستند آن گزارش‌های میدانی و رسمی از جنگ ۱۲ روزه، حاکی از شهادت شمار زیادی از مقامات امنیتی و دانشمندان هسته‌ای ایران است که به‌منابه ضربه‌ای مستقیم به شبکه پیوندهدی و توان فنی ایران ارزیابی شد. اما از دید نظری، «قطع سر شبکه» زمانی بیشترین اثر را دارد که رهبران هدف‌گرفته نقش‌های منحصربه‌فرد، غیرقابل‌جانشین و متمرکزی داشته باشند. اگر شبکه دارای ساختار غیرمتمرکز یا جانشینی آماده باشد، اثر محدود خواهد بود و تأثیر چندانی در توانمندی و هدایت و فرماندهی نخواهد داشت.

کاهش توان عملیاتی گروه‌های نیابتی: اختلال در زنجیره‌های فرماندهی و تأمین لجستیکي می‌تواند اجرای عملیات پیچیده را کند یا متوقف کند. نمونه عملی این پیامدها در هفته‌های بعد از انفجار پیج‌رها مشاهده شد که هماهنگی میدانی حزب‌الله مختل شد. قطع یا اختلال در کانال‌های فرماندهی، زنجیره‌ی تأمین مهمات و سامانه‌های لجستیکي، می‌تواند اجرای عملیات پیچیده را با کندی روبرو نماید یا موقتاً متوقف سازد. نمونه‌ی واقعی و قابل ردیابی این مکانیسم را می‌توان در پیامدهای انفجار گسترده‌ی پیج‌رها و دستگاه‌های ارتباطی حزب‌الله در سپتامبر ۲۰۲۴ دید؛ آن رخداد، به‌گزارش چند منبع، هماهنگی میدانی را و قابل ردیابی این مکانیسم را می‌توان در پیامدهای انفجار گسترده‌ی پیج‌رها و دستگاه‌های ارتباطی حزب‌الله در سپتامبر ۲۰۲۴ دید؛ آن رخداد، به‌گزارش چند منبع، هماهنگی میدانی را و قابل ردیابی این مکانیسم را می‌توان در عناصر مهمات از دسترس خارج ساخت. این نمونه نشان می‌دهد هدف‌گیری «زنجیره‌ی ارتباطی و لجستیکي» تا چه اندازه می‌تواند بر توان عملیاتی تأثیر بگذارد. نکته‌ی تحلیلی آنکه کاهش توان عملیاتی می‌تواند به‌صورت موقتی زمان و فضای مانور را برای طرف حمله فراهم آورد؛ اما گروه‌های نیابتی معمولاً با سازوکارهای جانشینی، رمزنگاری، کانال‌های پنهان و توزیع‌شدن ساختاری واکنش نشان می‌دهند. در نتیجه اثر پایدار این اقدام‌بستگی مستقیم به توان ادامه‌ی فشار اطلاعاتی و لجستیکي طرف مقابل دارد.

بازدارندگی روانی و نمایش توانمندی هدف‌گیری: هدف‌گیری رهبران عالی‌رتبه پیامی روشن ارسال می‌کند: «هیچ مکانی کاملاً امن نیست – حتی برای رهبران.» این پیام دو واکنش بالقوه تولید می‌کند: از یک سو کاهش عیان‌سازی (safety-in-place) و افزایش احتیاط، که به کند شدن عملیات می‌انجامد؛ از سوی دیگر، محرکی برای اقدامات تلافی‌جویانه و انتقام‌جویی است. رسانه‌ها، تحلیلگران امنیتی و مقامات رسمی این جنبه‌ی روانی را به‌صراحت به‌عنوان یکی از اهداف اعلام‌شده کمپین هدف‌گیری ذکر کرده‌اند. شواهد میدانی نیز نشان می‌دهد که پس از موج هدف‌گیری‌ها، رهبران کلیدی مجبور به جابجایی مداوم و پنهان‌کاری شده‌اند که خود هزینه‌ی عملیاتی و اطلاعاتی برای محور مقاومت داشته است. در عین حال باید افزود: بازدارندگی روانی وقتی مؤثر است که با پیامدی ملموس (مثلاً کاهش حملات، لغو عملیات یا انحلال موقت شبکه) همراه باشد؛ در غیر این صورت، اثربخشی آن محدود یا تبدیل به عامل تشدید انتقام‌جویی می‌شود. مطالعات نشان می‌دهد نتایج «برش سر رهبران» متغیر است و گاهی باعث کاهش خشونت و گاهی به افزایش آن منجر می‌شود.

ملاحظات انتقادی و پیامدهای جانبی (خطر «بلاویک» و محدودیت‌ها)

تحلیل نظری و تجربی درباره‌ی کارآیی «حذف رهبران» نتایجی مختلط نشان می‌دهد: برخی مطالعات می‌گویند که در شرایط خاص (گروه‌های متمرکز، رهبران غیرقابل‌جانشین) موفقیت‌آمیز است؛ اما در شبکه‌های پراکنده و با ساختار جانشینی‌پذیر، تأثیر کوتاه‌مدت و حتی موقتی خواهد بود. افزون بر این، اقدام به هدف‌گیری رهبران خطر «واکنش تلافی‌جویانه» (blowback) را همراه دارد که می‌تواند به تشدید تنش و گسترش دامنه‌ی درگیری بینجامد – همان چیزی که در واکنش‌های موشکی و پهپادی ایران و نیابتی‌ها در جریان جنگ ۱۲ روزه مشاهده شد. این پیچیدگی‌ای است که تصمیم‌سازان باید در محاسبه‌ی هزینه II فایده‌ی عملیات‌های هدف‌محور لحاظ کنند.

گزارش‌های میدانی و رسمی از جنگ ۱۲ روزه گزارش می‌دهند که در جریان حملات گسترده به ایران، ده‌ها فرمانده و شماری از دانشمندان هسته‌ای هدف قرار گرفتند و به‌زعم منابع خبری، ضربه‌ای جدی به سطح رهبری و توان فنی ایران وارد آمد. اما در کوتاه‌ترین زمان ممکن جایگاه فرماندهان به شهادت رسیده با نفرات جدید احیاء و پاسخ‌دهی ایران به نظامی بزرگی برای طرف حمله به‌همراه داشته باشد. برای تصمیم‌گیرندگان، نکته‌ی کلیدی این است که حذف رهبران باید بخشی از یک استراتژی جامع و طولانی‌مدت باشد و نه راه‌حلی یک‌باره برای مشکل پیچیده‌ی نیابتی.

پیچیده در هفته‌ها و ماه‌های پس از حملات شد. در هفته‌ها و ماه‌های پس از موج هدف‌گیری‌ها، گزارش‌های میدانی از لبنان، عراق و سوریه کاهش ملموس در هماهنگی عملیاتی و کندی اجرای عملیات‌های پیچیده را ثبت کردند. علت اصلی این سقوط موقتی کارآیی، اختلال در زنجیره‌های فرماندهی، قطع یا اختلال در کانال‌های ارتباطی و نیاز فوری به جانشینی فرماندهان بوده است. مطالعات درباره‌ی اثربخشی «قطع سر فرماندهی» نشان می‌دهد که حذف رهبران می‌تواند در کوتاه‌مدت منجر به کاهش عملیات شود، به‌ویژه وقتی رهبران نقش‌های متمرکزی داشته باشند؛ اما این اثر معمولاً گذراست مگر آن‌که فشارهای اطلاعاتی و لجستیکي ادامه یابد. افزایش فشار روانی و تزلزل اعتماد: اختلال در رهبران موجب افزایش احتیاط و کاهش تحرکات علنی شد؛ برخی تحلیلگران این امر را امتیازی راهبردی برای طرف حمله می‌دانند. هدف‌گیری رهبران سطح نگرائی و احتیاط را در سطوح میدانی و سیاسی محور مقاومت بالا برد. رهبران مجبور به جابجایی مکرر، کاهش جلسات رو در رو و استفاده از کانال‌های ارتباطی پنهان شدند؛ هزینه‌ی این احتیاط، کندشدن تصمیم‌گیری محلی، فرماندهان میانی و دستگاه‌های اطلاعاتی چنین فضایی می‌تواند به‌عنوان منفعتی موقتی برای طرف حمله تعبیر شود، زیرا مانع از اجرای عملیات بلندپروازانه‌ی حریف می‌شود؛ با این حال، فشار روانی بلندمدت می‌تواند محرک واکنش‌های تلافی‌جویانه نیز باشد.

شتاب در بازسازی و جانشینی رهبری: محور مقاومت نشان داد که ساختارهایی برای جانشینی و ادامه‌ی عملیات دارد؛ شبکه‌های محلی، فرماندهان میانی و دستگاه‌های اطلاعاتی تهران توانستند ظرف ماه‌ها (نه لزوماً هفته‌ها) خلأهای رهبری را پر کنند. این جانشینی سریع اما هزینه‌بر است و معمولاً با افت مهارت عملیاتی و ضعف در شبکه‌های لجستیکي همراه است تا زمانی که جانشینان جدید به‌تجربه و شبکه‌های لازم دست یابند. در نتیجه، کاهش توان غالباً موقتی بوده و میان‌مدت به بازگشت نسبی ظرفیت‌ها منجر می‌شود مگر آن‌که فشار پیوسته‌ای اعمال شود.

گسترش عملیات نیابتی و انتقام‌جویی محدود: محور مقاومت از شبکه‌های نیابتی برای وارد آوردن ضربات موشکی، پهپادی و نفوذی در جبهه‌های مختلف بهره برده است. نمونه واضح دوره اخیر، شلیک موج‌هایی از موشک‌ها و پهپادها از سوی ایران و گروه‌های وابسته پس از حملات به تاسیسات و فرماندهان بود که خساراتی به اهداف در اراضی اشغالی وارد ساخت. این الگوی «حذف – تلافی محدود – تشدید فشار» در نمونه‌های تاریخی و میدانی تکرار شده است. خطر تشدید به درگیری فراگیر: تحلیلگران هشدار داده‌اند که استمرار سیاست حذف رهبران می‌تواند به دو خطر مهم بینجامد: نخست، «تشدید واکنش‌ها» که ممکن است درگیری را از مرحله محدود به ابعاد فراگیر بکشاند؛ دوم، «پنهان‌سازی و غیرمتمرکز شدن ساختارها» که مقابله را در بلندمدت دشوارتر می‌سازد. تجربه‌ی اخیر نشان داده است که هرچند حذف رهبران می‌تواند اختلال کوتاه‌مدتی ایجاد کند، اما در صورت ادامه، گروه‌ها به راه‌حل‌های پراکنده‌سازی، رمزنگاری و اتکا به شبکه‌های محلی روی می‌آورند که هزینه بازدارندگی و نظارت را برای طرف مقابل بالا می‌برد. این دو ریسک یعنی «تشدید واکنش‌ها» و «پنهان‌سازی و غیرمتمرکز شدن ساختارها» طبیعتاً در محاسبات استراتژیک مدنظر قرار می‌گیرند.

در مجموع، حذف و تهدید رهبران محور مقاومت ابزاری مؤثر برای ایجاد اختلال فوری و فشار روانی بود، اما اثر گذاری آن بر توان کلی محور مقاومت در میان‌مدت وابسته به استمرار فشار اطلاعاتی و لجستیکي طرف مقابل است. هم‌زمان، این سیاست ریسک‌هایی (تشدید درگیری و غیرمتمرکز شدن سازمان‌ها) تولید می‌کند که می‌تواند هزینه‌های سیاسی و نظامی بزرگی برای طرف حمله به‌همراه داشته باشد. برای تصمیم‌گیرندگان، نکته‌ی کلیدی این است که حذف رهبران باید بخشی از یک استراتژی جامع و طولانی‌مدت باشد و نه راه‌حلی یک‌باره برای مشکل پیچیده‌ی نیابتی.

مثال‌های مستند (نمونه‌وار از پوشش رسانه‌ای)

ترور اسماعیل هنیه (۳۱ جولای ۲۰۲۴)– گزارش‌های گسترده‌ی جهانی این حادثه را پوشش دادند و آن را نمونه‌ای از هدف‌گیری رهبران مقاومت دانستند. حوادث انفجار پیج‌رها (۱۷ سپتامبر ۲۰۲۴)– رویدادی که ضربه‌ی عمیقی به توان ارتباطی حزب‌الله وارد کرد و تحلیلگران آن را نمونه‌ای از حمله به زیرساخت‌های لجستیکي خواندند. حملات متمرکز در جنگ ۱۲ روزه – گزارش‌های میدانی و تحلیلی از شهادت تعدادی از فرماندهان و اعضای گروه‌های نیابتی و ضربه‌زدن به مقرها و شبکه‌های لجستیکي خیر داده‌اند (خلاصه‌های روزانه/هفته‌ای توسط رسانه‌هایی چون Reuters/Al Jazeera/Long War Journal منتشر شدند).

حذف چهره‌های کلیدی محور مقاومت، بخشی از یک راهبرد تمام‌جبار بود که تلاش داشت با هدف‌گیری هم‌زمان ابعادی از قدرت سازمانی، فنی و روانی «محور مقاومت»، توان عملیاتی و اثرگذاری منطقه‌ای آن را کاهش دهد. این استراتژی مؤثر در کوتاه‌مدت بود – با کاهش هماهنگی و تحرک – اما به‌طور هم‌زمان ریسک تشدید واکنش‌های نیابتی و موج انتقام‌جویی را افزایش داد و نشان داد که مقابله با شبکه‌های پیچیده نیابتی نیازمند ترکیب طولانی‌مدت اقدامات اطلاعاتی، دیپلماتیک و دفاعی است.

فرمانده سپاه شهدای آذربایجان غربی:

بسیج در جنگ ۱۲ روزه محاسبات دشمن را برهم زد

۶۵ برنامه برای هفته بسیج در استان



فرمانده سپاه شهدای آذربایجان غربی در بیان اینک بسیج در جنگ ۱۲ روزه، هتگامی که کشور هدف حمله دشمن قرار گرفت، به حمایت از نظام و انقلاب برخاستند، بسیجی هستند.»

سردار رجیبی گفت: دشمن در آن مقطع تصور می‌کرد می‌تواند با اجرای یک عملیات ضربتی - عملیاتی که سالها برای آن برنامه‌ریزی کرده و با کمک برخی کشورها و ایجاد ائتلاف‌های مختلف علیه ایران پیش برده بود، به پیروزی برسد، اما محاسباتش اشتباه از آب درآمد.

به گفته وی، دشمن به‌تنهایی قادر به مقابله با ایران نبود و به همین دلیل به قدرتهای دیگر تکیه کرد تا اقدام جنایتکارانه خود را انجام دهد.

وی افزود: دشمن همچنان در حال طراحی برنامه‌ها و توطئه‌های جدید است.

فرمانده سپاه شهدای آذربایجان غربی یادآور شد: هدف دشمن در جنگ ۱۲ روزه ایجاد بی‌ثباتی، اغتشاش و ناامنی در کشور بود اما نتها به این اهداف نرسید، بلکه نتیجه‌ای کاملاً معکوس گرفت.

وی با اشاره به اشتباهات مکرر دشمنان در تحلیل شرایط ایران افزود: آنان در دوران دفاع مقدس نیز تصور می‌کردند می‌توانند ظرف یک هفته به تهران برسند و انقلاب را ساقط کنند، اما آنچه رخ داد خلاف تصورشان بود.

طرح نو؛ گروه خبر فرمانده سپاه شهدای آذربایجان غربی تأکید کرد: بسیج در دوران هشت سال دفاع مقدس و همچنین در «جنگ ۱۲ روزه» توانست محاسبات و برنامه‌ریزی‌های دشمن را برهم بزند.

سردار محمدحسین رجیبی روز چهارشنبه در نشست خبری ویژه هفته بسیج با بیان اینکه بسیج محدود به داشتن کارت عضویت نیست، اظهار کرد: بسیج متعلق به همه اقشار مردم است و آنان در عرصه‌های مختلف، از جمله در جنگ ۱۲ روزه، روحیه و هویت بسیجی خود را نشان دادند.

وی اظهارکرد: چنانکه مقام معظم رهبری فرمودند همانهایی که در جنگ ۱۲ روزه وقتی دشمن کشور را هدف قرار داده بود بیرون آمده و به پشتیبانی از نظام و انقلاب پرداختند بسیجی هستند.

وی با اشاره به سخنان مقام معظم رهبری افزود: رهبر انقلاب فرمودند «همان مردمی که در جریان جنگ ۱۲ روزه، هنگامی که کشور هدف حمله دشمن قرار گرفت، به حمایت از نظام و انقلاب برخاستند، بسیجی هستند.»

سردار رجیبی گفت: دشمن در آن مقطع تصور می‌کرد می‌تواند با اجرای یک عملیات ضربتی - عملیاتی که سالها برای آن برنامه‌ریزی کرده و با کمک برخی کشورها و ایجاد ائتلاف‌های مختلف علیه ایران پیش برده بود، به پیروزی برسد، اما محاسباتش اشتباه از آب درآمد.

به گفته وی، دشمن به‌تنهایی قادر به مقابله با ایران نبود و به همین دلیل به قدرتهای دیگر تکیه کرد تا

خبر

رشد بیش از ۱۵ درصدی

درآمدهای عمومی آذربایجان غربی در هفت ماهه امسال

طرح نو؛ گروه خبر نماینده وزیر و مدیرکل امور اقتصادی و دارایی آذربایجان غربی با بیان اینکه میزان درآمدهای تحقق‌یافته استان در هفت ماهه امسال ۷۸.۱ درصد برآورد شده است، گفت: رشد ۱۵.۳ درصدی نسبت به مدت مشابه سال‌گذشته محقق شده و میانگین وصولی درآمدهای عمومی استان در هفت ماهه امسال حدود ۶.۳ همت است.

حبیب تربتی با بیان اینکه از این میزان ۹۱ درصد سهم درآمدهای مالیاتی با میزان تحقق ۷۵.۹ درصد است، افزود: سهم سایر دستگاه‌های اجرایی استان ۹ درصد و میزان تحقق آن ۱۱۱ درصد اعلام شده است.

دبیر ستاد تجهیز درآمد استان، میانگین تحقق درآمدهای مالیاتی استان در هفت ماه نخست سال را بیش از ۵.۷ همت برآورد کرد و افزود: درخصوص علت اصلی عدم تحقق صددرصدی درآمدهای مالیاتی می‌توان به جنگ ۱۲ روزه اخیر و صدور بخشنامه عدم اقدام از طریق اجرائیات برای وصول مالیات به مدت یک ماه پس از توافق اشاره کرد.

نماینده وزیر امور اقتصادی و دارایی در استان با اشاره به ردیف درآمدی مالیات بر ارزش افزوده گمرک نیز، گفت: تاکنون حدود ۵.۸ همت از این ردیف درآمد وصول شده است.

تربتی درخصوص درآمدهای غیرمالیاتی استان خاطرنشان کرد: این درآمدها شامل درآمدهای حاصل از مالکیت دولت، خدمات و فروش محصولات و درآمدهای متفرقه است.

وی یادآور شد: راهکارهایی برای رشد و تسریع در فرایندهای وصول درآمدها اندیشیده شده است تا سرمایه‌گذاری و فعالیت فعالان اقتصادی با کمترین مشکل ادامه یابد.

می‌ورزند، بسیجی محسوب می‌شوند. در جنگ ۱۲ روزه نیز شاهد بودیم که بسیاری از مردم، حتی بدون آموزش نظامی و از اقوام، مذاهب و ادیان مختلف، برای دفاع از کشور اعلام آمادگی کردند.

سردار رجیبی اضافه کرد: این همراهی گسترده مردم، روحیه و امید مضاعفی به ما بخشید و نشان داد که ملت ما درک درستی از شرایط دارد؛ مسئله‌ای که باعث ناامیدی دشمن شد.

در این جنگ، همکاری مردم به حدی بود که با کوچک‌ترین گزارش و تماس، موارد مشکوک و جرائم امنیتی اطلاع‌رسانی می‌شد و همین امر به فروپاشی شبکه‌های منافقین کمک کرد.

وی همچنین به نقش بسیج در فعالیت‌های غیرنظامی اشاره کرد و گفت: بسیج در حوزه‌هایی مانند مقابله با کرونا، ساخت مسکن محرومان و حضور در مناطق کمتر برخوردار اقدامات گسترده‌ای انجام داده و این مسیر را ادامه می‌دهد.

فرمانده سپاه شهدای آذربایجان غربی طرح «محلهمحوری» را از برنامه‌های جدید سپاه در حوزه محرومیت‌زدایی معرفی کرد و توضیح داد: در این طرح مشکلات محلات با جمعیت حدود هزار و ۵۰۰ تا ۲ هزار نفر شناسایی شده و رسیدگی به مسائل معیشتی، درمانی، مسکن محرومان و آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد در دستور کار قرار دارد.

وی همچنین بیان کرد: به مناسبت هفته بسیج، ۶۵ عنوان برنامه در استان اجرا می‌شود که دیدار با نماینده ولی‌فقیه، نشست خبری با رسانه‌ها، حضور در مزار شهدا و اجرای برنامه‌های فرهنگی و محرومیت‌زدایی بخشی از این برنامه‌هاست. / ایرنا

سردار رجیبی خاطرنشان کرد: دشمنان همواره محاسبات غلطی در مورد ایران داشته اند.

سردار رجیبی با بیان اینکه باید دید بسیج در کدام عرصه‌ها حضور داشته، گفت: از میدان‌های نظامی تا مناطق مرزی و محروم، بسیج همواره نقشی تأثیرگذار ایفا کرده است.

وی خاطرنشان کرد: اوج این حضور در دوران دفاع مقدس بود؛ دورانی که بیش از ۵۰ کشور از رژیم بعث حمایت می‌کردند اما نیروهای مردمی و بسیج توانستند در مقابل دشمن بایستند.

وی افزود: منظور از بسیج تنها افراد دارای کارت عضویت نیستند، بلکه همه کسانی که به مین عشق

معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور:

احداث ۵ مدرسه مشارکتی با همکاری خیرین در خوی و چایپاره

میلیارد تومان از این مبلغ، از طریق سازمان نوسازی مدارس و ۱۴۰ میلیارد تومان از محل مولدسازی برای تکمیل پروژه‌های نیمه تمام آموزش خوی و چایپاره اختصاص یافت.

عادل نجف زاده با بیان اینکه دو مدرسه در قالب مسکن ملی در خوی و چایپاره احداث می‌شود، افزود: با تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام فضاهای جدید آموزشی در اختیار دانش آموزان قرار می‌گیرد.

خوی احداث می‌شود. اختصاص ۲۴۰ میلیارد تومان برای تکمیل پروژه‌های نیمه تمام آموزش و پرورش خوی و چایپاره

نماینده مردم خوی و چایپاره در مجلس شورای اسلامی نیز در این جلسه از اختصاص ۲۴۰ میلیارد تومان برای تکمیل پروژه‌های نیمه تمام آموزش و پرورش خوی و چایپاره خبر داد و گفت: ۱۰۰

پروژه‌های نیمه‌تمام آموزش و پرورش شهرستان‌های خوی و چایپاره اظهار کرد: مدارس نیمه‌تمام روستای عزت‌آباد و بدل‌آباد خوی تکمیل می‌شوند.

جعفری، معاون تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش نیز تکمیل زیرساخت‌های ورزشی مدارس را از اولویت‌های وزارتخانه برشمرد و گفت: در راستای تأمین نیازهای ورزشی و اوقات فراغت دانش‌آموزان، شش چمن ورزشی در داخل مدارس

طرح نو؛ گروه خبر معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور با بیان اینکه خدمات‌رسانی به مناطق محروم جزو اولویت‌های دولت است، از احداث پنج مدرسه مشارکتی با همکاری خیرین در خوی و چایپاره خبر داد.

حمیدرضا خان محمدی چهارشنبه ۲۸ آبان در ادامه سفر به آذربایجان غربی در جلسه بررسی مشکلات

مفقودی **روزنامه طرح نو**

اصل سند کارخانه و برگ سبز سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۴ در شماره ۲۵-۸۳۶ ح ۷۸ شماره موتور ۱۲۲۸۴۱۵۶۵۳۰ و شماره شاسی ۱۴۲۵۷۵۷۰ بنام آقای حمید یحیی پور مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسه آگهی: ۲۰۴۶۸۴۹ **روزنامه طرح نو**

شیخدرآباد بخش ۴۴ تبریز محرز گردیده است.

۷- تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مختار کاظمی فرزند نجفقلی بشماره شناسنامه ۲۶۱۰ صادره از میانه به کلاسه ۱۴۰۲/۶۹۸ در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۱۵۴۹.۴۷ مترمربع از پلاک ۲۶- اصلی واقع در اراضی روستای شیخدرآباد بخش ۴۴ تبریز محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵

حسن ترکیان
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک میانه

شناسه آگهی: ۱۴۰۴۶۳۰۴۰۷۰۱۶۶۱۸ **روزنامه طرح نو**

شماره: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴ تاریخ: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱- تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم منصوره کاظمی شیخدرآبادی فرزند نجفقلی بشماره شناسنامه ۳۹۵۲ صادره از میانه به کلاسه ۱۴۰۲/۷۰۱ در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۶۲۳.۹۰ متر مربع از پلاک ۲۶- اصلی واقع در اراضی روستای شیخدرآباد بخش ۴۴ تبریز محرز گردیده است.

۲- تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم منصوره کاظمی شیخدرآبادی فرزند نجفقلی بشماره شناسنامه ۳۹۵۲ صادره از میانه به کلاسه ۱۴۰۲/۷۰۵ در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۳۰۶.۳۳ مترمربع از پلاک ۲۶- اصلی واقع در اراضی روستای شیخدرآباد بخش ۴۴ تبریز محرز گردیده است.

۳- تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم منصوره کاظمی

شناسه آگهی: ۲۰۵۴۰۰۵ **روزنامه طرح نو**

شماره: ۱۴۰۴۰۳۰۴۰۷۰۱۷۳۰۴ تاریخ: ۱۴۰۴/۰۸/۲۷

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی (نوبت اول)

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱- تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم منصوره کاظمی شیخدرآبادی فرزند نجفقلی بشماره شناسنامه ۳۹۵۲ صادره از میانه به کلاسه ۱۴۰۲/۷۰۱ در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۶۲۳.۹۰ متر مربع از پلاک ۲۶- اصلی واقع در اراضی روستای شیخدرآباد بخش ۴۴ تبریز محرز گردیده است.

۲- تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم منصوره کاظمی شیخدرآبادی فرزند نجفقلی بشماره شناسنامه ۳۹۵۲ صادره از میانه به کلاسه ۱۴۰۲/۷۰۵ در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۳۰۶.۳۳ مترمربع از پلاک ۲۶- اصلی واقع در اراضی روستای شیخدرآباد بخش ۴۴ تبریز محرز گردیده است.

۳- تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم منصوره کاظمی

شناسه آگهی: ۲۰۱۱۸۰۱ **روزنامه طرح نو**

شماره: ۱۴۰۴/۰۱/۳۳/۱۱۳۸ تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۰۳

«آگهی نوبتی» (نوبت دوم)

پیرو آگهی نوبتی شماره ۱۴۰۴/۰۶/۱۶-۱۰۴/۳۳/۱۰۱۶ منتشره در روزنامه مهد تمدن بشماره ۱۹۵۵۹۷۲ راجع به ثبت عمومی املاک واقع در حوزه ثبتی ایلخچی بدینوسیله تعداد دیگری از املاک که در سه ماهه دوم سال ۱۴۰۴ ثبت شده مطابق ماده ۵۹ آیین نامه قانون ثبت بشرح ذیل جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد.

از سنگ ۲۹ اصلی واقع در ایلخچی بخش ۱۴ تبریز

۱۷۲۰- فرعی- ملک ملی ایلخچی فرزند یدالله بشماره ملی ۱۷۰۹۶۴۰۱۳۸ ششدانگ یکپایب ساختمان به مساحت ۷۶/۳۷ مترمربع (جهت الحاق به پلاک ۱۶۸۰ فرعی)

ضمناً طبق ماده ۱۶ قانون ثبت هر کس نسبت به املاک فوق‌الذکر اعتراض داشته باشد و یا طبق ماده ۱۷ قانون ثبت بین متقاضی و دیگری قبل از انتشار اولین اعلان نوبتی دعوایی اقامه شده و در جریان باشد کسی که طرف دعوا با تقاضا

مفقودی **روزنامه طرح نو**

مجوز اسلحه شکاری ساچمه زنی دولول کنار هم کالبر ۱۲ مدل کوسه شماره سلاح KN۲۶۲۲۰۷۰۵ ساخت ایران بنام آقای عزیز محمد خانلو فرزند ابراهیم با شماره ملی ۵۱۹۸۲۹۹۲۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد

شناسه آگهی: ۲۰۵۲۳۷۷ **روزنامه طرح نو**

شماره نامه: ۱۴۰۴۸۵۶۰۴۱۷۲۰۱۱۹۷۲ تاریخ ارسال نامه: ۱۴۰۴/۰۶/۲۴

آگهی فقدان سند مالکیت

مقدار ششدانگ پلاک ۴۰۶۷۰ فرعی از یک اصلی واقع در بخش ۹ تبریز برابر دفتر ۵۷۵ صفحه ۲۱ بنام حسن نوبخت دغدغان ثبت و سند چاپی ۹۶۱۹۷۴ سری ه/۹۱ صادر و تسلیم گردیده است و برابر سند رهنی بشماره ۱۲۸۵۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۰ دفترخانه ۲۶۴ تبریز بنفع بانک مسکن ثبت شده مالک با ارائه استنهاد محلی بشرح نامه وارده به شماره ۱۴۰۴۶۲۶۵۰۷۶۳۰۰۳۳۰ مورخه ۱۴۰۴/۰۶/۰۳ مدعی مفقودی سند مالکیت اولیه به چاپی ۹۶۱۹۷۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۰۱

حسین کریمی
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه شرق تبریز

شناسه آگهی: ۲۰۱۱۸۰۱ **روزنامه طرح نو**

شماره: ۱۴۰۴/۰۱/۳۳/۱۱۳۸ تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۰۳

«آگهی نوبتی» (نوبت دوم)

پیرو آگهی نوبتی شماره ۱۴۰۴/۰۶/۱۶-۱۰۴/۳۳/۱۰۱۶ منتشره در روزنامه مهد تمدن بشماره ۱۹۵۵۹۷۲ راجع به ثبت عمومی املاک واقع در حوزه ثبتی ایلخچی بدینوسیله تعداد دیگری از املاک که در سه ماهه دوم سال ۱۴۰۴ ثبت شده مطابق ماده ۵۹ آیین نامه قانون ثبت بشرح ذیل جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد.

از سنگ ۲۹ اصلی واقع در ایلخچی بخش ۱۴ تبریز

۱۷۲۰- فرعی- ملک ملی ایلخچی فرزند یدالله بشماره ملی ۱۷۰۹۶۴۰۱۳۸ ششدانگ یکپایب ساختمان به مساحت ۷۶/۳۷ مترمربع (جهت الحاق به پلاک ۱۶۸۰ فرعی)

ضمناً طبق ماده ۱۶ قانون ثبت هر کس نسبت به املاک فوق‌الذکر اعتراض داشته باشد و یا طبق ماده ۱۷ قانون ثبت بین متقاضی و دیگری قبل از انتشار اولین اعلان نوبتی دعوایی اقامه شده و در جریان باشد کسی که طرف دعوا با تقاضا

شناسه آگهی: ۲۰۱۱۸۰۱ **روزنامه طرح نو**

شماره: ۱۴۰۴/۰۱/۳۳/۱۱۳۸ تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۰۳

«آگهی نوبتی» (نوبت دوم)

پیرو آگهی نوبتی شماره ۱۴۰۴/۰۶/۱۶-۱۰۴/۳۳/۱۰۱۶ منتشره در روزنامه مهد تمدن بشماره ۱۹۵۵۹۷۲ راجع به ثبت عمومی املاک واقع در حوزه ثبتی ایلخچی بدینوسیله تعداد دیگری از املاک که در سه ماهه دوم سال ۱۴۰۴ ثبت شده مطابق ماده ۵۹ آیین نامه قانون ثبت بشرح ذیل جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد.

از سنگ ۲۹ اصلی واقع در ایلخچی بخش ۱۴ تبریز

۱۷۲۰- فرعی- ملک ملی ایلخچی فرزند یدالله بشماره ملی ۱۷۰۹۶۴۰۱۳۸ ششدانگ یکپایب ساختمان به مساحت ۷۶/۳۷ مترمربع (جهت الحاق به پلاک ۱۶۸۰ فرعی)

ضمناً طبق ماده ۱۶ قانون ثبت هر کس نسبت به املاک فوق‌الذکر اعتراض داشته باشد و یا طبق ماده ۱۷ قانون ثبت بین متقاضی و دیگری قبل از انتشار اولین اعلان نوبتی دعوایی اقامه شده و در جریان باشد کسی که طرف دعوا با تقاضا

شناسه آگهی: ۲۰۱۱۸۰۱ **روزنامه طرح نو**

شماره: ۱۴۰۴/۰۱/۳۳/۱۱۳۸ تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۰۳

«آگهی نوبتی» (نوبت دوم)

پیرو آگهی نوبتی شماره ۱۴۰۴/۰۶/۱۶-۱۰۴/۳۳/۱۰۱۶ منتشره در روزنامه مهد تمدن بشماره ۱۹۵۵۹۷۲ راجع به ثبت عمومی املاک واقع در حوزه ثبتی ایلخچی بدینوسیله تعداد دیگری از املاک که در سه ماهه دوم سال ۱۴۰۴ ثبت شده مطابق ماده ۵۹ آیین نامه قانون ثبت بشرح ذیل جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد.

از سنگ ۲۹ اصلی واقع در ایلخچی بخش ۱۴ تبریز

۱۷۲۰- فرعی- ملک ملی ایلخچی فرزند یدالله بشماره ملی ۱۷۰۹۶۴۰۱۳۸ ششدانگ یکپایب ساختمان به مساحت ۷۶/۳۷ مترمربع (جهت الحاق به پلاک ۱۶۸۰ فرعی)

ضمناً طبق ماده ۱۶ قانون ثبت هر کس نسبت به املاک فوق‌الذکر اعتراض داشته باشد و یا طبق ماده ۱۷ قانون ثبت بین متقاضی و دیگری قبل از انتشار اولین اعلان نوبتی دعوایی اقامه شده و در جریان باشد کسی که طرف دعوا با تقاضا

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی
آدرس تبریز: خیابان امام – مابین چهارراه منصور و میدان ساعت – جنب مسجد کبود
مجتمع تجاری ابریشم – طبقه اول – واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲
آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱
تلفکس: ۰۴۴-۳۲۲۴۸۵۸۸
لینوگرافی و چاپ: شاخه سبز

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

طرح نو

پیامبر اکرم (ص):

مردمی از مشرق قیام می کنند و زمینه حکومت مهدی را فراهم می آورند .

شنبه یکم آذر ماه ۱۴۰۴ – سال نوزدهم – شماره ۳۴۳۷

یادداشت

الزامات فرهنگی و اجتماعی بوستان شهری



طرح نو؛ مرتضی آذربویه
گسترش فضای سبز علاوه بر داشتن آثار اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی، باعث ایجاد زمینه برای انجام فعالیت‌های متنوع در ساعات و زمانهای مختلف، بهره‌برداری بهینه از امکانات محدود شهر، افزایش فرصت و امکانات ارتباط با فضای طبیعی را برای شهروندان و ارتقای رشد جسمی و روحی آن‌ها می‌شود. بسیاری از قواعد مثبت و منفی اجتماعی در پارک‌ها بروز پیدا می‌کنند، زیرا پارک‌ها و فضاهای سبز از جمله زیرساخت‌های اجتماعی‌اند که زندگی مردم در امتداد سایر شئون زندگی‌شان از آنجا نیز می‌گذرد. بهبود این فضاها علاوه بر تدوین الزامات نیازمند الگوسازی و تربیت طراح دغدغه‌مند نیز میباشد. یکی از مهمترین ایده‌هایی که به طور جدی در بین صاحب نظران شهرسازی و معماران ایرانی وجود داشته، «بهره‌گیری از الگوی باغ ایرانی در ایجاد فضاهای سبز شهری» است. با توجه به اینکه الگوی پارک‌های غربی، الگویی مناسب کشور ما با شرایط خاص فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی نیست، میتوان به جای استفاده از الگوی پارک های غربی، از الگوی باغ های ایرانی استفاده کرد تا علاوه بر اینکه پاسخگویی فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... مناسبی باشد، الگوی باغ ایرانی نیز احیا گردد.

یکی از روش‌هایی که می‌توان به الزامات طراحی پارک‌ها رسید، بررسی وضع موجود پارک‌ها و فضاهای سبز شهری و مشکلات و معضلاتی است که گریبان‌گیر آنها است. در کنار فواید و مزایای بسیار اجتماعی فرهنگی فضاهای سبز شهری نمی‌توان منکر برخی از تبعات نامطلوب اجتماعی فضاهای سبز از جمله تجمع افراد بزهکار و ناهنجار و شکل‌گیری روابط نامشروع افراد بود. مباحث مرتبط با امنیت شهری و اجتماعی از جمله خرید و فروش مواد مخدر، مشروبات الکلی و افزایش نزاع‌های اجتماعی نیز یکی دیگر از معضلات موجود می‌باشد.

برای بررسی آسیب‌شناسی، انگیزه رفتن مردم به پارک و پیامدهای پارک محله باید در نظر گرفته شود. یکی از نظراتی که در مورد حضور زنان در محیط‌های عمومی وجود دارد، آسیب‌پذیری بیشتر زنان از این محیط‌ها و به تبع آن، احساس ناامنی بیشتر نسبت به مردان است. بر این اساس، ایجاد پارک بانوان براساس معیارهای رضایتمندی زنان از جمله بهداشت، سهولت دسترسی، تعامل اجتماعی و... میتواند راهگشا باشد.

* معاون شهردار منطقه دو مراغه

شهردار تبریز خبر داد:

دومین مسیر گشایی بزرگ تبریز با یک کیلومتر طول تا پایان امسال به بهره‌برداری می‌رسد



داشت.

یعقوب هوشیار در بازدید دیگر آخرین وضعیت پارک شهید صمدی را مورد ارزیابی قرار داد و عنوان کرد: مساحت این پروژه ۲۱۸۰ مترمربع است و شامل سالن آمفی تئاتر، محل بازی کودکان، ۱۵۰۰ متر کفسازی رنگ به صورت ورزشی و... است. هوشیار همچنین از پژوه قرارگاه مسکن واقع در این منطقه نیز بازدید به عمل آورد و گفت: قرارگاه مسکن در ۵۴ واحد در حال احداث است که شامل ۹ طبقه سازه ایزیرزمین، پارکینگ و همکف تجاری خواهد بود.

هوشیار با بیان اینکه طول مسیر این پروژه یک کیلومتر است، افزود: ۱۲۹ قطعه در این مسیرگشایی قرار داشت که صفر تا صد این مسیر در دوره فعلی مدیریت شهری کار شده است. به گفته هوشیار، پروژه خیابان شهید سعیدی با طول یک‌هزار متر و عرض ۱۸ متر، از جمله طرح‌های مهم حوزه حمل‌ونقل شهری تبریز به شمار می‌رود که پس از بهره‌برداری، سهم بسزایی در کاهش ترافیک جنوب غرب تبریز و بهبود دسترسی محله‌های این منطقه خواهد

طرح نو، گروه شهری

شهردار تبریز از اتمام و بهره‌برداری از مسیرگشایی شهید سعیدی به عنوان یکی از مهم‌ترین پروژه‌های جنوب‌غرب تبریز تا پایان سال جاری خبر داد. یعقوب هوشیار در جریان هفتمین قرار خدمت از دور هفتم قراردادهای خدمت شهرداری که در منطقه ۷ برگزار شد در بازدید از این پروژه اظهار کرد: تمام ملک‌های واقع شده در این مسیرگشایی تملک شده‌اند و چهار ملک باقیمانده نیز در حال توافق نهایی است.

آغاز طرح خدمات محله‌ای «سه‌شنبه‌های خدمت» از اول آذرماه در تبریز

جدول، پل‌ها و همسطح‌سازی دریاچه‌ها، لایروبی جوی‌ها و کانال‌ها ساماندهی و شست‌وشوی مخازن زباله، شست‌وشو و رنگ‌آمیزی جدول، نرده‌ها و تابلوهای ترافیکی رنگ‌آمیزی و نوسازی مبلمان شهری، تسطیح و پاکسازی زمین‌های خالی از جمله اقدامات همکاران در این طرح خواهد بود.

معاون محیط زیست و خدمات شهری شهردار تبریز در پایان گفت: این طرح، با همکاری و مشارکت شهروندان، می‌تواند تحولی جدی در بهبود چهره محلات و افزایش رضایتمندی عمومی ایجاد کند. حضور یکپارچه نیروها در یک روز مشخص، سرعت و کیفیت ارائه خدمات را به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد.

در همان محل زندگی خود لمس کنند. وی با تشریح نحوه اجرای این طرح افزود: برای هر منطقه جدول زمان‌بندی دقیقی تدوین شده است. بر این اساس، هر منطقه علاوه بر فعالیت‌های روزانه خود در سطح شهر، روزهای سه‌شنبه با تمامی توان نیروی انسانی، ماشین‌آلات و تجهیزات به‌صورت یکپارچه وارد یک محله مشخص می‌شود و خدمات گسترده‌ای را در کوتاه‌ترین زمان اما با حداکثر کیفیت ارائه می‌کند. انصاری شاخص‌ترین آیت‌های اجرایی این طرح را چنین برشمرد: لکه‌گیری و ترمیم آسفالت معابر، نظیف کامل محلات و جمع‌آوری زباله، حذف موانع فیزیکی، جمع‌آوری نخاله‌های ساختمانی، امحاء دیوارنویسی‌ها و سفیدکاری دیوارها، ترمیم

طرح نو، گروه شهری
طرح جدید خدمات محله‌محور شهرداری تبریز با رویکرد حل دقیق و سریع مشکلات ریز و درشت محلات، از اول آذرماه آغاز می‌شود؛ طرحی که در آن هر منطقه شهرداری با تمامی توان انسانی و ماشین‌آلات، روزهای سه‌شنبه به‌صورت ویژه در یک محله مستقر می‌شود تا مجموعه‌ای گسترده از آیت‌های خدمات شهری را به‌طور متمرکز اجرا کند.

یعقوب انصاری، معاون محیط زیست و خدمات شهری شهردار تبریز، با اعلام آغاز اجرای طرح تحول‌آفرین «سه‌شنبه‌های خدمت» گفت: هدف ما این است که حتی کوچک‌ترین مشکلات محلات بدون رسیدگی نماند و شهروندان نتیجه خدمات را



گزارش

طرح نو در گفتگو با کارشناسان حوزه شهری بررسی می‌کند:

ترافیک تبریز؛ شهری در آستانه‌ی بازگشت اعتماد و راه‌یافتن نظم نو

میان شهروندان و مدیران باشد، باید از تریبون‌گرایی فاصله بگیرد و به گفت‌وگوی دوطرفه بر پایه داده و تجربه می‌رسد.

مردم باید در روایت رسانه سهم داشته باشند، نه فقط به‌عنوان سوژه، بلکه به‌عنوان منبع تحلیل. تجربه‌ی روزمره‌ی یک شهروند از مترو یا ازدحام خیابان، بخشی از داده‌ی تحلیلی شهر است.

او راهکار این تغییر را در سه محور می‌بیند:

۱. بازتعریف زبان گزارش‌نویسی تحلیلی به زبانی ساده و قابل‌فهم برای عموم، با تکیه بر داده‌های بصری و نقشه‌ها؛
 ۲. ایجاد بسترهای منظم پرسشگری عمومی مانند مناظره‌ها یا میزگردهای مشترک میان مدیران و کارشناسان؛
 ۳. پوشش چرخه‌ی کامل تصمیم‌ها از طریق تا نتیجه‌ی اجرا، برای جلوگیری از اعلام‌های زودهنگام و بی‌پیگیری.
- به باور او، زمانی فرامی‌رسد که تصمیم‌های ترافیکی نه صرفاً اعلام شوند، بلکه در گفت‌وگویی جمعی و مداوم بین مردم، رسانه و مدیران شکل بگیرند و گفت‌وگویی که خود، بخشی از فرآیند توسعه‌ی شهری است.

رسانه به‌عنوان ضمیر بیدار شهر

در نگاه امیر کریم‌زاد شریفی، ترافیک تبریز بیش از آن‌که مسئله‌ای از جنس خیابان باشد، نمود ضعف هماهنگی در حکمرانی شهری و کم‌تحرکی رسانه در نقد آن است. وقتی رسانه بتواند داده‌های واقعی را به زبان مردم روایت کند و تصمیم‌گیران را به پرسش بکشد، گفت‌وگویی تازه در شهر شکل می‌گیرد؛ گفت‌وگویی که میان آزادی، مسئولیت و شفافیت توازن برقرار کرده و گامی به‌سوی شهری پاسخ‌گو و مردمی آگاه بردارد.

شکاف میان وعده‌های رسمی و واقعیت میدانی را آشکار می‌کند؛ اقدامی که می‌تواند به بازسازی اعتماد عمومی و ارتقای کیفیت پروژه‌ها بینجامد.

اطلاع‌رسانی یا مطالبه‌گری؛ جایگاه گمشده‌ی نقد در خبر شهری

از دید کریم‌زاد، رسانه‌های تبریز هنوز در مرحله‌ی ابتدایی اطلاع‌رسانی متوقف‌اند؛ بخش قابل‌توجهی از گزارش‌ها محدود به بازتاب مستقیم گفته‌های مدیران است، بی‌آنکه به تحلیل داده‌ها یا ارزیابی پیامد تصمیمات مدیریتی بپردازند. خبر، تا وقتی صرفاً بازتاب گفته‌هاست، چیزی را تغییر نمی‌دهد. اما وقتی پرسش می‌پرسد و تصمیم را در بستر داده و تجربه می‌گذارد، به کنش اجتماعی تبدیل می‌شود. او تأکید دارد: برای تبدیل رسانه به نهاد مطالبه‌گر، باید تصمیم‌ها در چارچوبی تحلیلی بازخوانی شوند: کدام تصمیم ترافیکی از چه پایهای برخاسته و در مقایسه با تجربه‌های مشابه چه نتایجی در پی دارد؟ به گفته‌ی شریفی، نبود دسترسی به اطلاعات و فشارهای سیاسی، در کنار ضعف تخصصی در روزنامه‌نگاری شهری، میدان نقد را تنگ کرده است.

اما هر گاه خبرنگار بتواند از روایت یک‌سویه فاصله بگیرد و نقش پرسشگر را بازی کند، آنگاه تصمیم‌های شهری نیز به جای تصویب در خلأ، در بستر پاسخ‌گویی شکل می‌گیرند.

راه‌های تقویت گفت‌وگو میان مردم و مدیریت شهری کریم‌زاد می‌گوید: اگر رسانه بخواهد «پل ارتباطی واقعی»

محدودیت دسترسی به داده‌های واقعی، احتیاط بیش‌ازحد مدیران در ارائه‌ی آمار صادقانه، فشارهای سیاسی و کاستی در روزنامه‌نگاری داده‌محور که مجموعاً سد راه شکل‌گیری گفت‌وگویی صادقانه میان مدیریت و افکار عمومی می‌شوند.

از نظر او، استقلال رسانه و دسترسی آزاد به اطلاعات شرط لازم برای شکل‌گیری گفت‌وگویی صریح درباره بحران ترافیک و ناکارآمدی ساختاری در حمل‌ونقل عمومی است.

بودجه‌های ترافیکی؛ جایی که چشم رسانه باید بیدار بماند

به باور کریم‌زاد شریفی، نقش رسانه در حوزه بودجه‌های ترافیکی را باید همانند چشم‌های بیدار شهر دانست؛ نظری که مسیر پول را از لحظه تصویب تا اجرای پروژه دنبال می‌کند.

وقتی بودجه روی کاغذ نهایی می‌شود، تازه نیمی از کار انجام گرفته است. آن‌چه اهمیت دارد، پیگیری بعد از تصویب است؛ این‌که آیا رقم‌های ریز و دقیق بودجه واقعاً در همان مسیر خرج می‌شوند یا در حاشیه پروژه‌ها از بین می‌روند.

او بر این باور است که فرآیند نظارت رسانه‌ای در این زمینه هنوز نظام‌مند نیست. گزارش‌ها معمولاً موسمی‌اند، در آستانه تصویب بودجه یا انتخابات نمود پیدا می‌کنند و بعد خاموش می‌شوند.

کریم‌زاد از تجربه‌ی شخصی‌اش می‌گوید که پیگیری مداوم بودجه‌های ترافیکی، هرچند دشوار و پرهزینه است، اما

مدیریت ترافیک نیازمند نگاه شبکه‌ای است، نه پروژه‌ای. وقتی هر بخش از شهر جداگانه تصمیم می‌گیرد، بار اصلی به نقطه‌ای دیگر منتقل می‌شود و مسئله فقط جابه‌جا می‌گردد، نه حل.

او نقش رسانه‌ها را در این میان کلیدی می‌داند: بازنمایی دقیق داده‌ها، پرهیز از گزارش‌های کلی و تکراری، و پیگیری طرح‌ها تا مرحله‌ی اجرا؛ انتشار داده‌های مستند، گفت‌وگو با ذی‌نفعان، و نظارت مستمر بر پروژه‌های نیمه‌تمام از دید شریفی، می‌تواند تصویر روشن‌تری از چرایی و وضعیت فعلی و چرخه تصمیم‌های ناقص به مردم ارائه دهد.

ناکارآمدی حمل‌ونقل عمومی؛ لایه‌ای پنهان در روایت رسانه‌ها

در تحلیل او، رسانه‌های محلی تنها بخش کوچکی از واقعیت ناکارآمدی حمل‌ونقل عمومی تبریز را آشکار کرده‌اند. بیشتر گزارش‌ها درباره کمبود ناوگان، فرسودگی اتوبوس‌ها یا تأخیر در پیشرفت مترو سخن می‌گویند، اما کمتر به ساختارهای زاینده‌ی این ضعف‌ها پرداخته می‌شود؛ ساختارهایی چون ناپایداری مالی سازمان‌های بهره‌بردار، نبود شفافیت در تخصیص بودجه و تعارض منافع نهادهای تصمیم‌گیر که ریشه‌ی اصلی ناکارآمدی‌ها را می‌سازند. تا زمانی که رسانه تنها به توصیف ظواهر بسنده کند، مخاطب نیز به تصویری مبهم از واقعیت روبرو خواهد بود. عمق ماجرا در اسناد مالی، گزارش‌های نظارتی نادیده‌گرفته‌شده و ریشه‌های درونی ضعف مدیریت شهری نهفته است. کریم‌زاد موانع این شفاف‌سازی را در چند عامل می‌داند:



طرح نو؛ زهرا ژرفی مهر
بخش چهارم؛ گفتگو با امیر کریم زاد شریفی، مدیر مسئول آژانس خبری تحلیلی نصر

جانش مدیریتی؛ غیبت راهبردی یکپارچه در حمل‌ونقل شهری

امیر کریم‌زاد شریفی، مدیرمسئول آژانس خبری تحلیلی نصر، معتقد است که بزرگ‌ترین چالش ترافیک تبریز نه کمبود زیرساخت، بلکه فقدان راهبردی منسجم و شبکه‌محور در مدیریت حمل‌ونقل شهری است.

به گفته‌ی او، در دهه‌های اخیر تصمیم‌ها و پروژه‌های ترافیکی بیشتر به شکل مقطعی و پروژه‌محور اجرا شده‌اند؛ اقدامی که تمرکز بار ترافیک را به چند محور اصلی کشانده و شهر را از تعادل دور کرده است.